

روابط متقابل

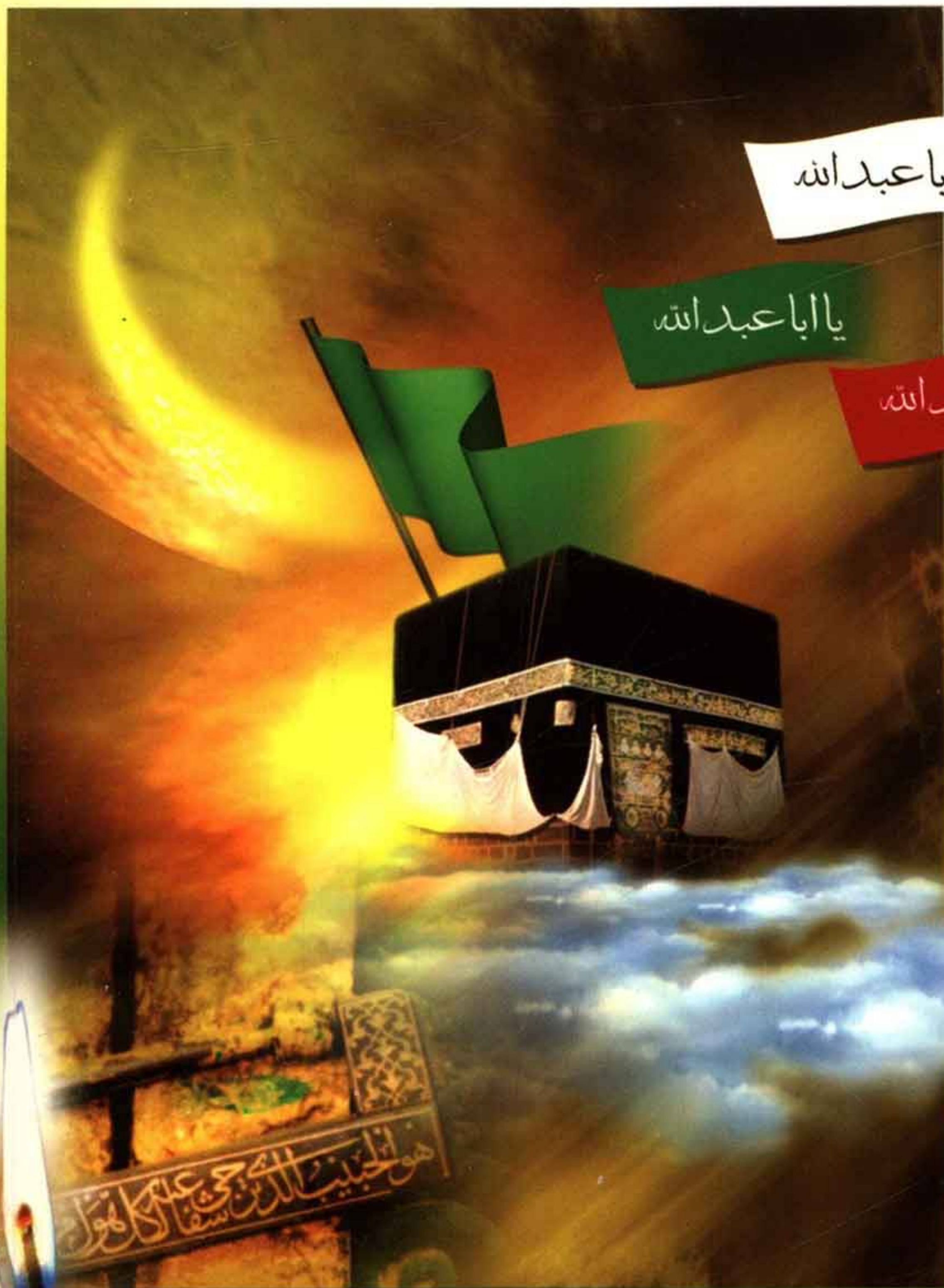
بین

حضرت زهراؑ و امام عصرؑ

یا ابا عبد الله

یا ابا عبد الله

یا ابا عبد الله



سید محمد باقر موسوی

# روایط متقابل

بین

حضرت زهرا و امام عصر علیہما السلام

« مؤلف »

سید محمد باقر موسوی

---

## روابط متقابل بین حضرت زهرا و امام عصر (عج)

نویسنده: آقای آسید محمد باقر موسوی

ویراستار: آقای سید مجید شیخ الاسلام

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

چاپ: اول ۱۳۸۲

چاپخانه قدس

ناشر: انتشارات ارم، قم خیابان ارم، مقابل

کتابخانه مرعشی نجفی، تلفن ۷۷۴۲۲۷۶

حق چاپ مخصوص مؤلف

شابک: ۹۶۴-۵۵۷۸-۸۹-۲

قیمت: ۵۰۰ تومان

---

از سخنان زیبای امام حسن عسکری علیه السلام :  
« نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ ،  
وَفَاطِمَةٌ علیها السلام حُجَّةٌ عَلَيْنَا »

« ما ( ائمه علیهم السلام ) پیشوایان و راهنمایان از  
جانب خدا بر مردم هستیم ، و فاطمه علیها السلام  
پیشوا و راهنما بر ما می باشد . »

(الکوثر- ج ۱- ص ۱۱۴- ح ۲)

از سخنان زیبای امام زمان علیه السلام :

« وَفِي آيَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِي أُسْوَةٌ  
حَسَنَةٌ، وَسَيْرُ دِي الْجَاهِلِ رِذَاءَةٌ عَمَلِيهِ  
وَسَيَعْلَمُ الْكَافِرُ لِمَنْ عُقِبِيَ الدَّارِ »

« در راه و روش دخت گرامی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ  
( از نظر سازش ناپذیری و مبارزه با حکومت  
طاغوت، و دفاع از ولایت، و شکیبائی بر  
مظلومیت و از دست دادن حق و... ) سرمشق  
و الگویی نیکو برای من وجود دارد، و بزودی  
نادان ردا و لباس کردارش را خواهد پوشید،  
و بزودی کافر خواهد دانست که سرانجام  
( نیک ) در سرای دیگر از آن کیست ؟ »

بحار الأنوار - ج ۵۳ - ص ۱۷۹ - ۱۸۰

## فهرست موضوعات

۹	مقدمه
۱۱	پیشگفتار
۱۱	اعتقاد به مصلح جهانی در همه ادیان
۱۵	دو نکته
۱۷	هشدار مهم
۲۲	گفتار اول: اشتراک در اهداف
۲۳	غصب خلافت
۲۶	جنايات غاصبين
۲۷	ماجرای فدک
۲۹	فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small> ، تنها مبارز
۳۰	راه اول - یاری طلبی از مهاجرین و انصار
۳۱	راه دوم - سخنرانی در مسجد پیامبر
۳۴	سخنرانی دیگر
۳۶	راه سوم - گریه های شبانه روزی

- ۳۹ ..... راه چهارم - اعتراف گرفتن از غاصبین
- ۴۱ ..... آخرین سیلی بر چهره زشت باطل
- ۴۲ ..... شهیده راه ولایت و عدالت
- ۴۳ ..... و امّا مهدی موعود علیه السلام

**گفتار دوم: رابطه تابع و متبوع**

- ۴۷ ..... روایت اول
- ۵۳ ..... روایت دوم
- ۵۳ ..... روایت سوم

**گفتار سوم: رابطه معلّم و متعلّم**

**گفتار چهارم: رابطه وارث و مورث**

**گفتار پنجم: رابطه مشکاة و نور**

**گفتار ششم: رابطه مادر و فرزند**

**گفتار هفتم: رابطه ولیّ و مؤلّیّ علیه**

**گفتار هشتم: رابطه تربیتی بین فاطمه زهرا علیها السلام**

- ۶۶ ..... و مهدی موعود علیه السلام

- گفتار نهم: رابطهٔ آمر و مأمور ..... ۷۰
- گفتار دهم: رابطهٔ لیلۃ القدر و نزول نور امامت در آن ..... ۷۲
- گفتار یازدهم: رابطهٔ محبت بین دو حبیب ..... ۷۵
- گفتار دوازدهم: رابطهٔ سبب و مسبب ..... ۷۹
- گفتار سیزدهم: رابطهٔ مظلوم و منتقم ..... ۸۲
- گفتار چهاردهم: رابطهٔ منتظر و منتظر ..... ۸۷
- انتظار پیامبران و اولیاء ..... ۸۸
- انتظار فاطمه علیها السلام ..... ۹۱



اکنون به حول و قوه الهی و طلب امداد از او، و توسل به ائمه اطهار علیهم السلام، بخصوص حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت بقیة الله علیه السلام فرزند آن بانوی هر دو جهان، شروع در تفحص و تحقیق و بررسی آنچه از ظاهر احادیث برداشت می شود، می کنیم. البته در واقع و حقیقت همه یکی و از نور واحد می باشند. امیدوارم این بی بضاعت را هم یاری نمایند، و هم مورد عنایت و قبول قرار دهند.

قم

سید محمد باقر موسوی

۱۵ شعبان المعظم ۱۴۲۴ هـ ق

۲۰/۷/۱۳۸۲ هـ ش

## پیشگفتار

### اعتقاد به مصلح جهانی در همه ادیان

موضوع منجی بشریت از ظلم و فساد، و هدایت او به عدالت و رستگاری، مورد قبول و پذیرش همه اهل ادیان مختلف، می باشد، منتها هر یک، آن منجی را از آن خود می دانند، و برای تأمین خواسته ها و حاکمیت معتقدات خود تفسیر و تأویل می کنند. در کتابهایی که بعنوان کتاب آسمانی باقی مانده است، مانند «زند و پازند» و «جاماسب نامه» که از کتابهای مقدس زرتشتیان می باشند، «تورات» و ملحقات آن که کتاب مقدس یهود شمرده می شوند، و «انجیل» عیسویان، و حتی در کتابهای مقدس «براهمه و بودائیان» نیز این نوید خوش را می توان پیدا کرد، که در یک عصر تاریک و بحرانی جهان، که فساد و بیدادگری و بی دینی، همه جا را فرا می گیرد، یک نجات دهنده بزرگ جهانی ظهور می کند، و به واسطه نیروی فوق العاده غیبی، اوضاع آشفته و نابسامان جهان را اصلاح می کند.

همه ارباب ملل و ادیان گوناگون، این عقیده را دارند و در انتظار چنین موعود نیرومند غیبی بسر می‌برند. زرتشتیان او را بنام «سوشیانس» (نجات دهنده جهان)، یهودیان بنام «سرور میکائیلی»، عیسویان بنام «مسیح موعود» و مسلمانان به نام «مهدی منتظر» می‌شناسند.

زرتشتیان او را «ایرانی» و از پیروان زرتشت می‌دانند، یهودیان او را از «بنی اسرائیل» و پیروان موسی می‌شمارند، و عیسویان او را هم‌کیش خود می‌دانند. مسلمانان نیز او را از دودمان بنی هاشم و فرزند پیغمبر اسلام می‌شناسند.

در اسلام، بطور کامل او را معرفی کرده و مشخصات او را بیان می‌کنند، اما در سایر ادیان چنین نیست. نکته قابل توجه اینست که علائم و مشخصاتی که در سایر ادیان برای آن نجات دهنده بزرگ آورده شده، در مورد حضرت مهدی، فرزند امام حسن عسگری علیه السلام قابل انطباق است. می‌توان او را از نژاد ایرانی شمرد، زیرا مادر امام سجاد علیه السلام که جدّ امام زمان علیه السلام است، شهربانو دختر یزدگرد، پادشاه ساسانی و ایرانی بوده است. می‌توان او را از بنی اسرائیل شمرد، زیرا بنی هاشم و بنی اسرائیل، هر دو در واقع از دودمان و نسل حضرت ابراهیم می‌باشند، بنی هاشم از فرزندان حضرت اسماعیل ذبیح اله و بنی اسرائیل از اولاد حضرت اسحاق

می‌باشند. به عیسویان نیز نسبت دارد زیرا ما در حضرت صاحب‌الزمان، یک شاهزاده رومی بنام «نرجس» است که نامهای متعدد دیگری هم دارد<sup>(۱)</sup>.

اصولاً نسبت دادن حضرت مهدی علیه السلام، نجات دهنده جهان را به یک یا چند ملت خاص، خطا است. اعتقاد به مهدی موعود و در سطح وسیعتر به منجی اعظم (رهاننده بزرگ) یک اعتقاد عمیق دینی و فطری، همچون سایر عقاید مذهبی، مانند توحید و نبوت و معاد و... است و در تمام ادیان بویژه اسلام، اصالت دارد.

مهدی موعود علیه السلام وقتی ظهور کند، نسل بشر را از بی‌دینی و بی‌عدالتی و اسارت در چنگ هوا و هوس‌ها، و ظلم و ستم‌ها و... نجات میدهد. او زمین را پر از عدل و داد می‌گرداند، پس از آنکه پر از ظلم و جور شده است. او مظهر اسماء الهی است که سعه وجودیش سرتاسر جهان هستی را فرا خواهد گرفت و هر موجود ممکن به حکم موجود بودن از راه وجود بابرکت او فیض حق را به فراخور ظرفیت خود دریافت می‌دارد.

اگر در طول تاریخ، شیادان و سوء استفاده‌گران، در بین ملت‌ها و ادیان و مذاهب گوناگون، تحت این عنوان ادعاهای باطل کرده و

---

۱. نگارنده در کتاب «زیباترین داستان جهان، ما در مصلح کل» ص ۲۲۶ تحت عنوان چکیده داستان به این حقیقت، با الفاظ زیبایی اشاره کرده‌ام.

خواهند کرد، ضرری به اصل و حقیقت منجی عالم، وارد نخواهد شد، این شیادان از هر حقیقتی، حتی حقیقت خداوند و عنوان نبوت و حقایق دیگر نیز سوء استفاده کرده‌اند و می‌کنند. مگر در طول تاریخ افراد زیادی ادعای خدایی و یا ادعای نبوت و... نکرده‌اند؟ از حقیقت مهدی موعود و نجات دهنده بزرگ نیز تا زمانی که قیام نکرده است، سوء استفاده خواهند کرد. خوشبختانه در احادیث و منابع دینی، خبرهایی در مورد مدعیان دروغین مهدویت داده شده است. و باز هم خوشبختانه، پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، نشانه‌ها و علامات را از نزدیک شدن ظهور آنحضرت، بیان کرده‌اند، و یکی از شفاف‌ترین این نشانه‌ها اینست که او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، و دست روی سر بشر گذاشته، عقل او را کامل می‌گرداند، و علامات دیگری که در محل خود ذکر شده است، و بیان این نشانه‌های شفاف سکه مدعیان دروغین مهدویت را از رونق انداخته، دروغ آنانرا آشکار گردانیده، آنان را رسوا و مفتضح می‌گرداند، و خردمندان را هشیار ساخته و از افتادن به دام این شیادان به دور می‌دارد.

در اینجا بخاطر حفظ اختصار، از بحث و تحقیق طولانی در مورد ابعاد مختلف اعتقاد به نجات دهنده بزرگ صرف‌نظر کرده، به

همین مقدار بسنده می‌کنیم<sup>(۱)</sup> هدف از مطرح کردن این موضوع، آن‌هم بصورت مختصر و فشرده، در این پیشگفتار، دو چیز است، نخست توجه دادن به اهمیت فوق‌العاده موضوع منجی اعظم در نزد همه ادیان و ملل، و اینکه انتظار ظهور نجات دهنده بزرگ، از اعماق جان و فطرت بشر می‌جوشد. و دیگر اینکه باید به پیروان حق و منتظرین راستین مهدی موعود علیه السلام درباره مطلب بسیار مهمی توجه و هشدار داده شود. ما در ذیل، پس از بیان دو نکته بعنوان مقدمه، این مطلب و هشدار مهم را مطرح می‌کنیم.

#### دو نکته

۱ - بر طبق کتابها و مدارکی که موجود است، انتظار کشیدن برای موعود آخرالزمان، در تاریخ پر فراز و نشیب یهودیت و مسیحیت بسیار با اهمیت تلقی گردیده و موج میزند. یهودیان در سرتاسر تاریخ سیاه خود، هرگونه خواری و ذلت و شکنجه‌ها را به امید اینکه روزی «مسیحا» بیاید و آنانرا از ذلت

---

۱. افرادی که مایلند در این موضوع آگاهی بیشتری پیدا کنند به کتابهایی که بطور مشروح به بحث مهدویت پرداخته‌اند مراجعه نمایند. از جمله می‌توان به این کتابها اشاره کرد: ۱ - دادگستر جهان تألیف ابراهیم امینی. ۲ - حکومت جهانی مهدی علیه السلام تألیف آیه الله ناصر مکارم شیرازی. ۳ - آخرین امید تألیف داود الهامی.

ورنج برهاند و فرمانروای جهان گرداند، تحمل کرده‌اند.

نقل شده که یکی از پایه‌گذاران اصلی صهیونیسم بنام «تئودور هرتزل» روزی به مطالعه قرآن کریم مشغول بود. چون به این آیه کریمه رسید: ﴿لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ﴾<sup>(۱)</sup> بی‌درنگ گفت: «آری! چنین است، ما سالهاست به انتظار مسیحا و به آرزوی نجات وی نشستیم. باید آرزوها را رها کرد و به عمل پرداخت» و پس از آن تأسیس صهیونیسم را آغاز کرد<sup>(۲)</sup>.

بیشتر یهودیان، دولت صهیونیستی را با جان و دل پذیرفته و آن را رهگشای عصر «مسیحا» دانسته‌اند و اقلیت ناچیزی آنرا مخالف آرمان مسیحائی شمرده، با آن مخالفت کرده‌اند<sup>(۳)</sup>.

جامعه مسیحیت نیز که بر اساس اندیشه انتظار پدید آمده، بی‌صبرانه منتظر «روز پایانی» و بازگشت حضرت مسیح بوده‌اند. مسیحیان پس از رفتن حضرت عیسی مسیح عليه السلام پیوسته در سوز و گداز و شوق بازگشت دوباره وی روزگار گذرانده و شور و هیجان ظهور آنحضرت هنگام نزدیک شدن سال ۱۰۰۰ میلادی میان مسیحیان اوج گرفت، و اکنون هم در آستانه سال ۲۰۰۰ چنین

---

۱. سوره نساء - آیه ۱۲۳ ترجمه: «(فضیلت و برتری) به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست».

۲. نگاهی به ادیان زنده جهان، تألیف استاد حسین توفیقی، ص ۹۱

۳. همان کتاب - ص ۱۱۰

وضعی در جوامع مسیحی مشاهده می‌شود<sup>(۱)</sup>.

۲- دشمنان اسلام و تشیع با در اختیار داشتن کتابهایی که در رابطه با علائم ظهور امام زمان علیه السلام نوشته شده، و بعضی از آن کتابها توسط قاچاقچیان از خدا بی‌خبر بدست آنها رسیده و یا از کشورهای اسلامی به غارت برده‌اند و تنها در کتابخانه‌های عمومی یا شخصی غارتگران اروپایی و آمریکایی یافت می‌شوند، به اسرار اسلام و تشیع آگاه شده‌اند. گروهی از اهل تحقیق آنان، تمامی روایات و علائم مربوط به ظهور امام زمان علیه السلام و بیشتر اسراری را که در کتابهای عموم مسلمانان و یا شیعیان وجود دارد جمع‌آوری کرده و در مجموع، آنان بیش از مسلمانان و شیعیان بیدار و آگاه و هشیارند.

#### هشدار مهم

امروز، سران استکبار، جهان‌خواران صهیونیست، مرموزانه در پشت نقاب مسیحیت و یهودیت قرار گرفته‌اند و از روی علائم و نشانه‌های شفاف که در اختیار دارند، احساس خطر جدی کرده، و یقین به نابودی خودشان در آینده نه چندان دور پیدا نموده‌اند. اینان برای پیشگیری از خطر قطعی، تلاشهایی را شروع کرده‌اند

---

۱. همان کتاب - ص ۱۱۱



و بدنبال بهانه می‌گردند تا مسلمانان را متهم کنند. برای اثبات این واقعیت دلایل و قرائن بسیار روشنی وجود دارد، بخصوص از زمانی که برجهای آمریکایی بدست صهیونیسم منهدم شدند (که نزد آگاهان واضح و معلوم است) بدون تحقیق و بی‌درنگ، مسلمانان را متهم کردند و عنوان تروریست را روی مسلمانان نهادند و اعلام جنگ با همه مسلمانان دنیا کردند، و پس از اینکه برخی از سیاستمداران فهمیده آنها، این اعلام جنگ با همه مسلمین جهان را به مصلحت خویش ندانستند، این کار را به گردن گروه خاصی که خودشان تراشیده و بوجود آورده بودند یعنی حزب «القاعده» انداختند و سرزمین محروم افغانستان را مورد تهاجم و حشیانه قرار دادند و آنجا را به محاصره خود در آوردند. چرا؟ چون گروه تحقیق آنها در کتابها خوانده‌اند که شاید مقدمات نهضت و قیام نجات‌دهنده بزرگ و بازگشت مسیحا از طرف شرق ممالک اسلامی پیدا شود. و اکنون نیز به کشور عراق لشگرکشی کرده و پس از کشتن هزاران مرد و زن و کودک از مردم مظلوم این کشور، آنرا تحت تسلط خود درآورده‌اند. شاید درباره این منطقه نیز چیزهایی خوانده باشند. شگفت آور اینست که بطور صریح و بدون هیچ ملاحظه‌ای هدف خود را از تصرف کشور عراق، تأمین امنیت اسرائیل اشغالگر اعلام می‌کنند. به اصطلاح با یک تیر

چند نشان می‌زنند. هم جهان‌گشایی می‌کنند و منطقه خاورمیانه را به کنترل خود در می‌آورند، هم ثروت و نفقت منطقه را تصاحب می‌کنند، هم اهداف اسرائیل را در طرح «از نیل تا فرات» و تحقق جهان یک قطبی دنبال می‌کنند، و هم به خیال خود، اگر مسیحائی ظهور کند، او را کشته یا دستگیر کرده و قیام جهانی او را از آن خود ساخته و در نتیجه کامروای همه جهان می‌شوند.

چه خوش بود که برآید به یک کرشمه دو کار، نه بلکه دهها کار. یکی از دوستان جوان و باایمان و آگاه به زمان که در صدا و سیمای جمهوری اسلامی، شبکه معارف مشغول خدمت است، اوراق مقاله‌ای را به من دادند که در نشریه «مشکوٰۃ»، شماره ۷۴ و ۷۵ منتشر شده و آقای دکتر حمیدرضا ضابط، در این مقاله، مطالبی را از سایت‌های مختلف اینترنتی پروتستانها گردآوری کرده و به فارسی برگردانده و تنظیم و تدوین نموده است. در این اثر، خوانندگان گرامی با واقعیت‌های تکان دهنده‌ای در مورد «صهیونیسم مسیحی» و ارتباط آن با آمریکا و اسرائیل و طرحهای شومی که برای جهان اسلام در سر می‌پرورانند، آشنا می‌شوند. این مقاله با بررسی و ارائه مدارک، نقشه‌هایی را که سران آمریکا و اسرائیل در فکر پیاده کردن آنها هستند بطور شفاف به اثبات رسانده، و همان مطالبی را که در بالا اشاره کردیم، کاملاً تأیید

می‌کند. این جهان خواران با سوء استفاده از اعتقاداتی که بنام مذهب، سالهاست تبلیغ شده و بیشتر آمریکائیان و اروپائیان و یهودیان تحت تأثیر آنها قرار گرفته‌اند، تصمیم قاطع دارند که جنگهای خونین و نسل‌کشی‌های فراوان به راه بیندازند و طرحهایی را که برای جهان بشریت، بطور عموم، و برای مسلمانان، بخصوص، بسیار خطرناک و نابود کننده است، پیاده کنند. گرچه ما متعقدیم که تلاش آنها مذبحخانه است و خود گرفتار طرحهای خویش خواهند شد، اما بیداری و هشیاری مسلمین بسیار لازم و ضروری است<sup>(۱)</sup>.

### ورود در بحث اصلی

اکنون بعد از آوردن بحثی کوتاه و هشدار دهنده برای اهل ایمان، و بیان اهداف شوم استکبار، و ترکیب نامبارک سران جهان خوار یهودی و مسیحی برای مبارزه با اسلام و کوبیدن امیدواران به ظهور نجات دهنده بزرگ و ایجاد یأس و ناامیدی برای همه کسانی که فکر نهضتی جهانی را در راستای اهداف الهی و برای برقراری عدالت و ظلم ستیزی، در سر می‌پرورانند، وارد بحث اصلی

---

۱. چون بیان تمام آن مقاله از گنجایش این جزوه خارج است، به همین مقدار اکتفا کرده و علاقمندان را به مطالعه نشریه مذکور ارجاع می‌دهیم.

می‌شویم و روابط متقابل بین حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و بین نجات  
دهنده بزرگ، و امید همه امیدواران جهان، مهدی منتظر علیه السلام را در  
طی چند گفتار، به اختصار بررسی می‌کنیم.

از خداوند متعال یاری می‌طلبیم که او بهترین یاری‌کنندگان  
است، و به فاطمه اطهر و کوثر رسالت توکل می‌جویم که او  
مهربان‌ترین کس به حال فرزندش امام عصر علیه السلام می‌باشد و چشم  
انتظاریش برای ظهور او از همه کس بیشتر است.

## گفتار اول:

### اشتراک در اهداف

نخستین رابطه متقابل بین عصمت کبری، ام ابیها علیها السلام، و بین فرزند برومندش، نجات دهنده بزرگ، مهدی موعود علیه السلام، که باید مورد بررسی قرار گیرد، رابطه اشتراک در اهداف است. اهدافی چون ظلم ستیزی، مبارزه با ستمگران و طاغوت‌ها، برقراری عدالت در جهان، یاری رساندن به مظلوم و گرفتن حق مظلوم از ظالم، و اینکه حق باید بر مسند حکومت و رهبری بشر قرار گیرد. این اشتراک در هدف، شفاف‌ترین رابطه بین ما در والامقام و این فرزند امید پرور منتظر است.

این رابطه آنقدر شفاف است که همچون یک امر بدیهی، نیازی به اقامه برهان ندارد. کسی که در این موضوع، اندک مطالعه‌ای داشته باشد و یا مختصر شناختی از احوال دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و برنامه ظهور امام زمان علیه السلام داشته باشد، میداند که فاطمه زهرا علیها السلام در راه مبارزه با ظلم و ظالم و طاغوت، و یاری رساندن

به مظلومترین مظلومان عالم، امیر مؤمنان علی علیه السلام، و فداکاری برای گرفتن حق او، تا مرز شهادت پیش رفت و جان شریفش را در راه یاری ولایت فدا کرد؛ و می داند که یکی از اهداف اصلی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، برچسیدن بساط ظلم و جور از روی زمین و پر کردن زمین از عدالت، و یاری نمودن ستمدیدگان و احقاق حق آنها است، و اینکه در روی زمین، حاکمی بغیر از حق، نباید وجود داشته باشد.

اما در عین حال، توجه دادن به دلایل فراوان روائی و تاریخی این مسأله، و یادآوری آنها مفید است، زیرا خداوند در قرآن می فرماید: «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>(۱)</sup>.

«و یادآوری کن، همانا تذکر و یادآوری برای مؤمنین نافع و سودمند است.»

اکنون، با توجه به اینکه بنای نگارنده در این نوشتار، بر اختصار میباشد، تنها به بعضی از دلایل این مسأله اشاره می کنیم.

### غصب خلافت

پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، عده ای که ادعای جانشینی آنحضرت را داشتند، با به راه انداختن جنجال و فریب

و زور، قدرت را تصاحب کردند و حق علی بن ابی طالب علیه السلام را که وصی و خلیفه تعیین شده از سوی خدا و پیامبر در غدیر خم و موارد دیگر بود، نادیده گرفتند و زیر پا گذاشتند.

عده‌ای از قبیله قریش، و منافقینی از دیگر قبایل عرب، نسبت به علی بن ابی طالب علیه السلام داماد پسر عم و وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله، و یگانه سردار فاتح و قهرمان در تمامی جنگهای اسلام، با مشرکین و دیگر دشمنان، حسادت و کینه خاصی داشتند. از طرف دیگر، رسول اکرم صلی الله علیه و آله بخاطر مصلحت آئین مقدس و نوپای اسلام، علی علیه السلام را، به صبر و بردباری و چشم پوشی از حق مسلم خود که خدا و رسول برای او معین کرده بودند، سفارش نموده بود. از این جهت، دست علی علیه السلام بسته بود و نمی توانست اقدامی کند. اما فاطمه زهرا علیها السلام یگانه دختر محبوب خدا و پیامبر و مسلمین، که همگان به مقام بلند و شخصیت بی نظیر او اعتراف داشتند، و او را بانوی بانوان دو عالم می دانستند، و رضای او را رضا و خشنودی خدا و رسول، و خشم و غضب او را خشم و غضب خدا و رسول می شمردند، با شجاعت و شهامتی کم نظیر، به مبارزه با ظالمین و غاصبین برخاست و با بهره برداری از شخصیت و محبوبیت خود در بین مسلمین، به دفاع از حق ولایت، و ظلم ستیزی و پرده برداری از چهره منافقین پرداخت.

طاغوتیان که چهرهٔ ضد اسلامی خود را در پوشش نفاق پنهان کرده بودند، از واقع شدن مصیبت بزرگ و جانگداز رحلت (بلکه شهادت) رسول اکرم ﷺ و مشغول بودن خاندان رسالت به عزاداری و غسل و کفن و دفن آن حضرت سوء استفاده کردند، و سریع دست به کار توطئه و به چنگ آوردن قدرت شدند و با نقشه‌هایی که در سقیفه بازی کردند، بنام خلافت از رسول خدا ﷺ بر کرسی قدرت تکیه زدند. چند نفر از منافقین که در پشت پرده با هم پیمان بسته بودند و عهدنامه‌ای را بین خود به امضاء رسانده بودند، نخست با یکی از هم‌عهدان خود دست بیعت دادند، و سپس بعضی را با ایجاد اختلاف و تفرقه، بعضی را با تهدید، بعضی را با تطمیع، و دیگر طرفندهای سیاسی از این قبیل، به دام انداختند. چون تعدادشان رو به فزونی گذاشت، با برپا کردن آشوب و جنجال و چماق‌کشی و تخریب، و به آتش کشیدن منزل اهل بیت رسالت، و هجوم آوردن به منازل با اکراه و اجبار، مسلمین را وادار به بیعت با ابوبکر کردند. بعد هم سردستهٔ او باش گفت: «بیعت با ابوبکر بطور ناگهانی و حساب نشده انجام گرفت، خداوند مسلمانان را از شرّ آن در امان بدارد»<sup>(۱)</sup>.

۱. بحار الانوار - ج ۳۰ - ص ۴۴۳



## جنایات غاصبین

چون بر اوضاع تسلط پیدا کردند، برای تثبیت و استحکام قدرت خود، تصمیم گرفتند که دست امیر مؤمنان علی علیه السلام را که تنها مزاحم بر سر راه آنها، و صاحب حق و خلیفه واقعی رسول خدا صلی الله علیه و آله و منصوب از جانب خدا و پیامبر اکرم بود، از هر جهت ببندند. برای عملی کردن این تصمیم، از راههای مختلف وارد شدند. درب خانه اهل بیت رسالت را به آتش کشیدند، فاطمه علیها السلام یگانه دختر رسول خدا را که برای دفاع از جان شوهر و فرزندانش پشت در ایستاده بود و مقاومت می کرد و مانع از هجوم نابخردانه آنان به بیت رسالت و ولایت می شد، بین در دیوار قرار داده و فشار دادند، بطوریکه فرزند شش ماهه او را که در شکم داشت بنام محسن (که این نام را خود رسول اکرم برای او انتخاب کرده بود) کشتند، سیلی به صورت آن بانوی بانوان دو عالم زدند، پهلویش را شکستند، ترس و وحشت در دل فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله ایجاد کردند و فجایع زیادی را مرتکب شدند.

بعد از این همه جنایات که انجام دادند، ریسمان به گردن علی علیه السلام و وصی رسول خدا و خلیفه واقعی او، انداختند و به قصد کشتن، او را روی زمین می کشیدند و به سوی مسجد، به نزد ابوبکر

می بردند. فاطمه اطهر علیها السلام با آن همه آسیب که دیده بود، خود را فراموش کرد و تنها به فکر علی علیه السلام بود، برای دفاع از جان ولی خدا به پا خاسته و ریسمان را گرفت و مانع از بردن آن حضرت شد. در این هنگام با نوعی دیگر از قساوت و شرارت، و ضربت غلاف شمشیر مواجه شد، اما همان فداکاری ها و مقاومت های جانانه از علی علیه السلام سبب شد که ابوبکر از کشتن علی علیه السلام (برای حفظ مصالح و قدرت) در ظاهر صرف نظر کند.

#### ماجرای فدک

غاصبین خلافت، دست به جنایت شرم آور دیگری زدند. «فدک» را که ملک شخصی حضرت فاطمه علیها السلام بود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امر خداوند به او عطا کرده بود و در زمان حیات رسول اکرم، مدتها در اختیار فاطمه علیها السلام و در تصرف او بود، با جعل حدیثی دروغین از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بر خلاف نص قرآن کریم، با زور از آن حضرت گرفتند و غصب کردند، و همچنین خمس را که طبق تصریح قرآن، برای خاندان رسالت قرار داده شده، از ایشان منع کردند.

بدین وسیله علی علیه السلام را که ولایت و رهبری او توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غدیر خم، در جمع دهها هزار نفری مسلمین، ابلاغ

شده بود، از صحنه اجتماع کنار زدند و خانه نشین کردند و دست او را از قدرت اقتصادی و سیاسی و رابطه با مردم کوتاه کردند. خطر ایجاد تحریف در قرآن کریم و سنت رسول خدا ﷺ و به نابودی کشاندن برنامه های دین مقدس اسلام روز به روز جدی تر می شد. یگانه دختر رسول خدا، در این برهه از زمان، به مبارزه با طاغوتیان برخاست و همچون سدی پولادین و نفوذناپذیر، با کمال شهامت و شجاعت در برابر آنان ایستادگی کرد و برای بیداری مسلمانان غفلت زده و گول خورده، و انسانهای بز دل و ترسو، با منطقی کوبنده و افشاگرانه قیام نمود.

فدک، آن سرزمین محدود، برای فاطمه اطهر علیها السلام بهانه ای بیش نبود و به تعبیر رسای شهید آیه الله محمد باقر صدر: «فدک رمزی بود که اشاره به معنای عظیمی داشت، و معنای آن، تنها یک سرزمین غصب شده در حجاز، نبود»<sup>(۱)</sup>. آری! فدک رمزی بود برای بازپس گرفتن حق خلافت علی علیه السلام از غاصبین، و کوتاه کردن دست ناهلان از حریم مقدس خلافت رسول خدا ﷺ، و فرو کشاندن آنها از اریکه قدرت.

---

۱. الکواثر ج ۶ ص ۲۹۱

### فاطمه زهرا علیها السلام، تنها مبارز

فاطمه زهرا علیها السلام می دید که غاصبین به حریم قرآن و سنت پیامبر و آئین مقدس اسلام دست درازی کرده و ایجاد تحریف می کنند، و خطری جدی، دین پدرش رسول اکرم صلی الله علیه و آله را تهدید می کند. از سوی دیگر، می دید که این غاصبین، تصمیم بر قتل و نابودی علی علیه السلام و فرزندان او دارند. در یک جمله، می دید که هم دین اسلام را، و هم حامیان و نگهبانان واقعی آنرا خطر نابودی تهدید می کند، و منافقین حيله گر، مسلمانان را با سرعت در مسیر ارتداد و کفر جاهلی به پیش می برند، و از دست هیچکس، حتی علی علیه السلام کاری ساخته نیست (به همان دلایلی که قبلاً اشاره شد)، و فقط خودش که تنها یادگار رسول خدا صلی الله علیه و آله و ام ایها و بانوی جهان است و دارای شخصیت و محبوبیت ممتاز و منحصر به فردی در بین مسلمین است، می تواند کاری از پیش ببرد و جلوی پیشرفت بسوی کفر و ارتداد را بگیرد.

فاطمه علیها السلام در برابر دستگاه طاغوتیان و غاصبین به مخالفت برخاست. او با تمام وجود، آماده دفاع از دین پدرش، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و دفاع از حق مشروع ولایت و رهبری شوهر گرامیش علی بن ابیطالب علیه السلام بود. فاطمه علیها السلام در این مبارزه و جهاد مقدس

علیه ظلم و طاغوت، از شیوه‌های مختلفی بهره برد.

### راه اول - یاری‌طلبی از مهاجرین و انصار

فاطمه زهرا علیها السلام چهل شب به همراه شوهرش علی علیه السلام و دو فرزندش حسن و حسین علیهم السلام به خانه‌های مهاجرین و انصار رفته و از آنها برای بدست آوردن حق علی علیه السلام و بیعت با او، یاری می‌طلبید و می‌فرمود: «ای گروه مهاجرین و انصار، خدا را یاری دهید و دختر پیامبر خود را یاری کنید. شما آن هنگام که با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت کردید، تعهد نمودید که از فرزندان و اهلیت او دفاع کنید، آنچنانکه از جان و فرزندان خودتان دفاع کنید. پس اکنون به بیعتی که با رسول خدا کرده‌اید وفا نمائید»<sup>(۱)</sup>.

اما هیچ کس از آن دون همّتان تیره‌بخت، دختر پیغمبر خود را یاری نکرد<sup>(۲)</sup>. آنان بهانه می‌آوردند و می‌گفتند: «ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله، ما قبلاً با ابوبکر بیعت کرده‌ایم، اگر پسر عمّ و شوهرت زودتر از ابوبکر به ما پیشنهاد بیعت می‌کرد ما از او نمی‌گذشتیم و با او بیعت می‌کردیم».

---

۱. الکواثر - ج ۶ - ص ۶۱

۲. غیر از چهار نفر: سلمان، اباذر، مقداد و زبیر، که چون تعدادشان اندک بود برای قیام و مبارزه با غاصبین و منافقین کافی نبودند.

علی علیه السلام می فرمود: « آیا جنازه رسول خدا را زمین می گذاشتم و رها می کردم و برای غسل و کفن و دفن او اقدام نمی کردم، و می رفتم بر سر بدست آوردن ریاست و سلطنت به نزاع و کشمکش می پرداختم؟ ».

فاطمه علیها السلام می فرمود: « ابوالحسن، علی علیه السلام آنچه وظیفه اش بود انجام داد، دیگران هم کاری کردند که خداوند به حساب آنها خواهد رسید»<sup>(۱)</sup>.

دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله با این اقدام، راه بجایی نبرد و مظلوم واقع شد. امت آنروز با غاصبین هم دست بودند و بر دختر پیامبر و شوهرش که خلیفه واقعی و وصی رسول اکرم بود، ظلم کردند و حقشان را پایمال نمودند.

#### راه دوم - سخنرانی در مسجد پیامبر

راه دوم مبارزه، روش کوبنده تری بود که دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله انتخاب کرد. او با ایراد خطبه و سخنرانی در مسجد پدرش و در حضور مهاجرین و انصار، و در برابر غاصبین، همگان را به محاکمه کشید. او در این خطبه آتشین، ذلت و خواری، جهالت و نادانی، اختلاف و دشمنی بین قبایل، و شرک و کفر آنها را پیش از

۱. الکواثر - جلد ۶ - ص ۱۵۰

طلوع خورشید رسالت، به یادشان آورد، و نعمت‌ها و هدایت‌هایی را که به سبب اسلام، و به برکت وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله نصیبشان شده بود، به آنان گوشزد نمود. از فداکاریهای بی‌نظیر و منحصر به فرد شوهرش که گردنکشان مشرکین را به خاک مذلت نشانده و راهی جهنم کرده بود، و همه دشمنان و مخالفین سرسخت اسلام را کوبیده و در برابر اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خاضع و رام کرده بود، و از لیاقت‌ها و شایستگی‌هایش یاد کرد. گذشته شرک‌آمیز آنان را، و اینکه در لبه پرتگاه آتش بودند، و در هنگام مبارزه و در میدانهای جنگ، ترسو و فراری بودند و... به رخ آنها کشید. از نفاق و توطئه آنان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرده‌برداری کرد، و از پیمان شکنی آنها، بخصوص انصار، و سکوت مرگبار آنان در برابر غاصبین ترسو، و از گردن نهادن انصار به اطاعت و فرمانبرداری از غاصبین روباه صفت و ذلیلان ناجوانمرد، و از گرائیدن آنان به پستی و ذلت، شدیداً انتقاد کرد. او در این خطبه، به بیان حکمت‌ها و اسرار بعضی از قوانین و دستورات و احکام اسلام نیز پرداخت، و نسبت خود و شوهر گرامیش را به رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان فرمود و صریحاً حق علی علیه السلام و کفایت و کاردانی و جهاد او و... را یادآوری کرد<sup>(۱)</sup>.

---

۱. الکونج ۶ ص ۱۲۱ به بعد

این خطبه، آنقدر کوبنده و بیدار کننده و مؤثر بود که صدای گریه و ناله و ضجه آنان بلند شد و نزدیک بود که حالت انفجار در حاضرین بوجود آید.

ابوبکر از این جریان احساس خطر کرد و دید که اوضاع مجلس بحرانی شده، و گفتار دختر پیامبر بر او گران آمد<sup>(۱)</sup>، و دید اگر دیر دست بکار شود تخت قدرتش واژگون خواهد شد. بی‌درنگ به بالای منبر رفت و چون حرف درست و منطقی برای گفتن نداشت و در بن بست قرار گرفته بود، شروع کرد به دشنام دادن و ناسزا گفتن به علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام، و قدرت نمائی کردن، و انصار را تهدید کرد و گفت: «ای گروه انصار! این چه سخنانی است که بی‌خردان شما می‌زنند؟ این شما بودید که پیش قدم شدید و دست بیعت به سوی من دراز کردید و...» و خلاصه، دست به این‌گونه ترفندها و شلوغ کاریها و حيله گریها زد. او در حقیقت دست به بازی سیاسی زد و از راه نمایش قدرت و تهدید و ارباب، همان روشی را در پیش گرفت که امروزه نیز سیاستمداران استکباری و دنباله‌روان آنها، یعنی سران دست‌نشانده کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، برای به سکوت کشاندن ملت‌ها و جلب

---

۱. الکوثرج ۶ ص ۳۴۲ (فاستشر ابوبکر الخطر من هذه البادرة و شق علیه

مقالتها...)



آراء و افکار عمومی، بکار می‌گیرند.

سپس چهره عوض کرد و شروع کرد به دغل بازی و خود را به موش مردگی زدن، و رو کرد به دختر رسول خدا ﷺ و گفت: «خدا و رسول او راست فرمود، و دختر رسولش هم راست فرمود. تو سرچشمهٔ حکمت و جایگاه هدایت و رحمت و رکن دین و عین حجت هستی... من منکر سخنان تو نیستم، اما این مردم خلافت را به گردن من گذاشتند...».

بطور خلاصه، ابوبکر به گونه‌ای سخن گفت که هم به مردم وعده داد، هم تهدیدشان کرد، و مردم نابخرد آن مجلس را به سکوت کشانید، و دل دختر پیامبر ﷺ را پراز غم و غصه کرد، و به ظاهر، ناکام به سوی قبر پیامبر برگشت و در ضمن اشعاری شکایت حال خود را به پدرش نمود و سپس به خانه مراجعت فرمود.

### سخنرانی دیگر

دختر گرامی رسول خدا ﷺ در سخنرانی کوتاه و پر محتوای دیگری که برای زنهای مهاجرین و انصار (که برای عیادت آن حضرت آمده بودند) انجام داد، بصورت شفاف‌تری، مسألهٔ حقانیت علی علیه السلام و غصب حق او توسط غاصبین، و سکوت مرگبار و ذلت آور اصحاب پیامبر، اعم از مهاجرین و انصار، و شریک

بودن آنها را در جرم و جنایتی که غاصبین مرتکب شدند مطرح کرد، و آشکارا هدف خود را از این جهاد و مبارزه، طلب حق مشروع علی علیه السلام که خدا و رسول خدا به او واگذار کرده بودند، و براندازی حکومت طاغوت و طاغوتیان بیان کرد، و مردان آنها را بخاطر سکوت و سازش و همکاریشان با غاصبین، به شدت مورد سرزنش و ملامت قرار داد، و پیامد و عاقبت کار زشت و ننگین آنها را هم در دنیا و هم در آخرت، بسیار دردناک و ذلت‌بار و عذاب‌آور دانست.

او در این خطبه، انگیزه منافقین و همکاران آنها را از اینکه حق علی علیه السلام را غصب کردند و توطئه‌های خود را همراه با جنایت و قساوت بر علیه خاندان رسالت عملی کردند، «کینه‌هایی که از کشته شدن سران مشرکین در بدر واحد به دل داشتند، و انتقام گرفتن از علی علیه السلام و خاندان رسالت، و تفاق و دنیاپرستی آنان» اعلام نمود.

اما عده‌ای از مهاجرین و انصار نزد آنحضرت آمدند و همان عذرهای بدتر از گناه قبلی را تکرار کردند و گفتند: «اگر علی علیه السلام پیش از بیعت ما با ابوبکر، ما را به بیعت فرامی‌خواند، ما هیچکس را بر او ترجیح نمی‌دادیم!»<sup>(۱)</sup>.

---

۱. الکونج ۶ ص ۱۴۲ تا ۱۴۵

سخنان آتشین و پربار دختر پیامبر که سزاوار بود مرده را زنده کند، در آن مرده دلانِ ساقط شده از انسانیت اثر نکرد و همچون کوفتن بر آهن سرد بود، اما در تاریخ ضبط شده و برای همیشه حقیقت را آشکار، و باطل بودن آنان را روشن نمود و مشروعیت حکومت غاصبین را از آنها سلب کرده و تا ابد آنها را مفتضح و رسوا کرد، و حقانیت علی علیه السلام را به صورت یک ایمان و اعتقاد درآورد، و مظلومیت او را در تاریخ به ثبت رساند.

در آن ظلمت و تاریکی که غاصبین می خواستند، راه حق و حقیقت را بطور کلی محو و نابود کنند و مردم را برای همیشه به گمراهی بکشانند، دخت گرامی رسول الله صلی الله علیه و آله راه حق را به گونه‌ای روشن و واضح بر روی همه گشود و جهانیان را از اشتباه به درآورد، و دین پدرش، رسول خدا صلی الله علیه و آله را که در خطر نابودی حتمی قرار گرفته بود، نجات داده و برای همیشه آنرا بیمه کرد، اگرچه به قیمت جانش تمام شد.

#### راه سوم - گریه‌های شبانه روزی

روش دیگری از مبارزه حضرت فاطمه علیها السلام که چهره زشت حاکمان و همکاران آنها را به مردم می‌شناساند، و غاصبین را به دست و پا زدن وامی‌داشت و قدرت آنان را دچار خطر کرده بود،

گریه‌های شبانه روزی آن حضرت بود. منافقین و همدستان آنها احساس خطر کردند و با واسطه قرار دادن بزرگان و ریش سفیدان مدینه، مانع گریه‌های دختر پیامبر در مدینه شدند. او به ناچار روزها شهر را ترک می‌کرد و با فرزندان خود حسن و حسین علیهما السلام به «بیت‌الاحزان» که علی علیه السلام برای او در خارج شهر بنا کرده بود می‌رفت و در آنجا از صبح تا غروب گریه می‌کرد و صدای مظلومیت خود و علی علیه السلام را به گوش مردمان می‌رسانید<sup>(۱)</sup>.

آن حضرت، گاهی به زیارت قبر حضرت حمزه عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌رفت و در نزد قبر آن آقای شهیدان گریه می‌کرد. یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بنام «محمود بن لبید» گفت: «یکی از روزهایی که حضرت زهرا علیها السلام به کنار قبر حمزه آمده بود و گریه می‌کرد، پس از اینکه گریه‌اش تمام شد به او سلام کردم و به آن بانوی بانوان عرض کردم که: ای سیده زنان! گریه‌های تو رگ قلب‌های مرا پاره کرد». در جواب فرمود: «من بهترین پدران را از دست داده‌ام و چه بسیار مشتاق رسول خدایم». از آن حضرت پرسیدم: «آیا رسول خدا پیش از رحلت خود، بطور صریح امامت علی علیه السلام را بیان فرموده است؟» فرمود: «شگفتا! آیا روز غدیر خم را فراموش کردید؟» عرض کردم: «این را می‌دانم، اما

۱. الکواثر ج ۵ ص ۳۷۲

می خواهم از آنچه که بطور سرّی برای شما فرموده است مرا خبر دهید». فرمود: «خدا را گواه می گیرم که شنیدم پدرم رسول خدا ﷺ فرمود: بهترین شخصی که به جانشینی خود در بین شما می گذارم علی ﷺ است و او امام و جانشین من پس از من است، و بعد از او دو نوه های من و فرزندانم (حسن و حسین ﷺ) و نه نفر از فرزندان حسین ﷺ ائمه ابرارند. اگر از ایشان اطاعت و پیروی کنید ایشان را هدایت شدگان و هدایت کنندگان می یابید و اگر با ایشان مخالفت کنید و از آنان نافرمانی نمائید، تا روز قیامت در بین شما اختلاف خواهد بود».

محمود بن لبید گفت: «عرض کردم: پس چرا علی ﷺ نشست و از حق خود دفاع نکرد؟» فرمود: «رسول خدا ﷺ فرموده است: مَثَلُ عَلِيٍّ مَثَلُ كَعْبَةِ اسْتِ، مردم باید بسوی او بیایند، او به دنبال مردم نمی رود» پس حضرت زهرا ﷺ فرمود: «بخدا سوگند، اگر حق (یعنی خلافت و ولایت) را به اهلش (علی ﷺ و فرزندان او) واگذار می کردند و از عترت پیامبرشان پیروی می نمودند، حتی دو نفر پیدا نمی شد که در راه خدا اختلاف پیدا کنند، و هر آینه آنرا (خلافت و ولایت حق) یکی پس از دیگری به ارث می بردند (یعنی همیشه حکومت حق و اهل حق برقرار بود و عدالت جریان داشت) تا هنگامی که قائم ما، نهمین فرزند از فرزندان حسین ﷺ

قیام می‌کرد. لکن از روی هوای نفس و آراء خودشان عمل کردند، آنکس را که خدا کنار زده بود روی کار آوردند و آن کس را که خدا به امامت برگزیده بود، کنار زدند. آنان از کور دلی، اعمالشان را در گمراهی قرار داده، و آروزوهای دنیوی را گسترده‌اند و مرگ و عاقبت خویش را فراموش کرده‌اند. نفرین بر آنان باد»<sup>(۱)</sup>.

در این روایت، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هدف خود را از مبارزه تا سر حد شهادت، یعنی دفاع از آئین مقدس اسلام و ولایت و امامت علی علیه السلام و ردّ مشروعیت حکومت طاغوت و غاصبین، و راهنمایی و دعوت گمراهان به راه حق و صراط مستقیم، چنان شفاف بیان فرموده، که جای هیچ شک و تردیدی را برای کسی باقی نگذاشته و در ضمن منظور و هدف از مطرح کردن حق خود (فدک) را، رمزی برای وصول به هدف واقعی یعنی از صحنه بیرون راندن نالایقان و ظالمان و غاصبان، و جایگزین کردن حکومت حق و الهی بر مسلمین و انسانها بیان فرموده است.

#### راه چهارم - اعتراف گرفتن از غاصبین

ام الائمه، فاطمه زهرا علیها السلام در این مبارزه جانانه، موفقیتی

۱. الکوثر - ج ۴ - ص ۲۳۰ و ۲۳۱ (نقل به مضمون)

بدست آورد، بطوریکه دو عنصر اصلی قدرت و نفاق، مجبور شدند برای جبران رسوائیهای خود و به قصد فریب افکار عمومی دست به تزویر بزنند و با عذرخواهی مصلحتی، از حضرت زهرا علیها السلام، به خیال خودشان آبروی رفته را بازگردانند، و مقاصد پلید و کفر باطنی خودشان را که با افشاگریهای امایبها آشکار شده بود و احتمال رسوائی بیشتر، و خطر رویگردانی عامه مردم از آنان می رفت و قدرت پوشالی آنها مورد تهدید قرار گرفته بود، با یک عذرخواهی ریاکارانه دوباره زیر پرده قرار دهند. اما کور خوانده بودند و به دست خود، باطل بودن و کفر خویش را بیشتر آشکار کردند. ولیده وحی و رسالت ودانای به علوم اولین و آخرین، از آنان اقرار و اعتراف گرفت که اذیت و آزار دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله، عین آزار و اذیت خود رسول خدا است، و آن هم عین آزار و اذیت خود خداوند است، و آنان مصداق آیه **﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا﴾** <sup>(۱)</sup> می باشند و مورد لعنت خدا در دنیا و آخرتند. آندو اعتراف کردند که آن بانوی بانوان هر دو عالم و بضعة الرسول را اذیت و آزار

---

۱. سوره احزاب - آیه ۵۷. ترجمه: «آنها که خدا و پیامبرش را آزار می دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته، و برای آنها عذاب خوارکننده ای آماده کرده است.»

رسانده‌اند.

ام ایها علیها السلام بر خشم و نفرت خود از آن دو نفر تأکید کرده و فرمود: «من هرگز از شما دو نفر راضی نمی‌شوم و از ظلم شما، به خدا و رسولش شکایت می‌کنم»<sup>(۱)</sup>.

حضرت زهرا علیها السلام برای ابد، مهر باطل بر چهره‌آند و زد و کفر طغیان آنان را برای همیشه آشکار کرد. آنان تا آخر عمر تأسف می‌خوردند و از کردار زشت خود و ظلمی که در حق دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله روا کرده بودند، شرمسار بودند. ابوبکر در لحظه آخر عمر از روی تأسف گفت: «ای کاش منزل فاطمه علیها السلام را مورد هجوم و تفتیش قرار نداده بودم»<sup>(۲)</sup>.

### آخرین سیلی بر چهره زشت باطل

دخت گرامی رسول اکرم، ام‌الائم علیها السلام در آخرین گام از مبارزه خود، سیلی محکم و خردکننده و ذلت‌آوری بر چهره زشت حاکمان طاغوتی زد، که دیگر با هیچ وسیله‌ای، و با هیچ فریب و تزویری، نتوانستند و نخواهند توانست رسوایی و لکه‌نگ آنرا از چهره خود پاک کنند. او در وصیت خود تأکید کرد که غاصبین،

۱. الکوثر ج ۵ ص ۳۲۵، ج ۶ ص ۱۵۹. (نقل به مضمون)

۲. الکوثر ج ۶ ص ۱۷۴



هرگز در نماز و تشییع جنازه آن حضرت حاضر نشوند، و بدن مبارکش را بدور از چشم آنان به خاک بسپارند، و قبرش را نیز مخفی کنند.

این سیلی به قدری گیج کننده و درد آور بود که ظالمان تصمیم گرفتند از راه نبش قبر، بدن مبارکش را پیدا کرده و بر او نماز بخوانند، اما چون خودشان را در برابر طوفان خشم علی علیه السلام دیدند، از ترس آن حضرت عقب نشینی کرده و تن به ذلت و رسوایی دادند و تسلیم عذاب وجدان، و افتضاح پیش خلق، و عذاب دردناک خداوند شدند.

### شهیده راه ولایت و عدالت

با این بررسی و تحقیق فشرده، روشن شد که فاطمه علیها السلام در راه دفاع از حق و ولایت، و براندازی ظلم و ظالم، و برقراری عدالت، و حاکمیت اسلام واقعی، تا مرز شهادت فداکاری کرد و با وارد کردن ضربه‌های سنگین بر غاصبین، عدم مشروعیت خلافت ادعایی آنان را آشکار نمود، و سرانجام با حقی به تاراج رفته، و دلی پر از خشم و نفرت از غاصبین، شهید از دنیا رفت.

حضرت زهرا علیها السلام در ظاهر به هدف خویش نرسید، اما امیدش این بود که روزی فرزندش مهدی موعود علیه السلام، نهمین فرزند

حسین علیه السلام بیاید و به آرمانهای مقدس او تحقق بخشد. ام‌الائم علیهم السلام از همان روز تا به امروز، و تا زمان ظهور آن نجات دهنده بزرگ، چشم انتظارش بوده و خواهد بود. و هر کس به معنای واقعی منتظر ظهور حضرت مهدی علیه السلام باشد و اوصاف و شرایط منتظران حقیقی را دارا باشد، انتظار او به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله برترین اعمال و عبادات است<sup>(۱)</sup>، و با حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دخت گرامی رسول خدا هم هدف بوده و از یاوران کوثر رسالت و یاوران فرزندش حضرت مهدی موعود علیه السلام خواهد بود.

#### و اما مهدی موعود علیه السلام

روایاتی که بازگو می‌کنند که حضرت صاحب الزمان علیه السلام فرزند فاطمه علیها السلام در آخر زمان ظهور می‌کند و زمین را پر از عدل و داد می‌نماید، همچنانکه پیش از آمدن او پر از جور و ستم شده، از نظر اهل سنت و شیعه، متواتر بلکه فوق تواتر است و در این نگارش برای حفظ اختصار، فقط به یک روایت اکتفا می‌کنیم.

در آخرین روزهای زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و در دوران مریضی آن حضرت، روزی حضرت زهرا علیها السلام بر بالین پدر نشست و اشک می‌ریخت. چون صدایش به گریه بلند شد، پیامبر سر برداشت

۱. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۲ - آخرین امید، تألیف داود الهامی ص ۱۸۶.

و فرمود: «فاطمه جان! چرا گریه می کنی؟».

عرض کرد: «می ترسم بعد از شما احترام ما از دست برود».

به این فراز از روایت دقت کنید به اعتقاد شیعه، بی احترامی به اهل بیت رسالت، بدعت و مساوی با دشمنی و عداوت با ایشان است و این از نظر قرآن و سنت رسول اکرم ﷺ کفر است<sup>(۱)</sup> و مساوی با دشمنی و مبارزه با اصل دین و آئین اسلام است. و این دقیقاً همان چیزی است که در این قسمت از بحث مطرح شد و بطور مختصر بررسی گردید و دخت گرامی رسول خدا ﷺ با آن، تا مرز شهادت مبارزه کرد.

رسول اکرم ﷺ پس از سخنانی، فرمودند:

«یا فاطمة! والذی بعثنی بالحق، إنَّ منها مهدی هذه الأمة. اذا صارت الدنيا هرجا ومرجا وتظاهرت الفتن وانقطعت السبل و اغار بعضهم علی بعض، فلا کبیر یرحم صغیراً ولا صغیراً یوقر کبیراً فیبعث الله عند ذلک منها من ینفتح حصون الضلالة وقلوباً غُلْفاً، یقوم بالذین فی آخر الزمان کما قمتُ به فی آخر الزمان، ویملا الارض عدلاً کما ملئت جوراً»<sup>(۲)</sup>.

۱. به بحار الانوار ج ۲۳ ص ۳۷۲ تا ۳۹۰ مراجعه شود.

۲. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۹ - الکوثر ج ۷ ص ۲۲۵، وج ۵ ص ۲۴۰ و ۲۴۷

- آخرین امید ص ۲۳۷

« ای فاطمه! قسم به خداوندی که مرا به راستی برانگیخته، مهدی این امت نیز از ایندو (حسن و حسین علیهما السلام) می باشد. موقعی که دنیا هرج و مرج شود و آشوبها پدید آید و راهها مسدود گردد و اموال یکدیگر را به غارت برند، نه بزرگتر به کوچکتر رحم کند و نه کوچکتر احترام بزرگتر را نگاه دارد، خداوند کسی را برانگیزد که قلعه های ضلالت و دل های قفل زده را بگشاید و اساس دین را در آخر الزمان استوار سازد، همچنانکه من در آخر الزمان آنرا پایدار کردم، و زمین را پر از عدل نماید همچنانکه از ظلم پر شده باشد.»

به طوری که ملاحظه می نمائید، این روایت عیناً همان چیزی را مطرح می کند که در این نگارش مورد بررسی قرار گرفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این نوید را به دختر گرامیش فاطمه علیها السلام داد که مهدی علیه السلام فرزند تو می آید و به اهداف تو تحقق می بخشد و آنچه را که تو در راه آن مبارزه کردی و فداکاری نمودی و جان عزیز خود را دادی، مهدی تو استوار می سازد. و این همان رابطه اشتراک در هدف است که بین ام الائمه علیهم السلام و بین فرزندش مهدی موعود علیه السلام وجود دارد و فاطمه علیها السلام در انتظار روزی که اهداف مقدسش توسط فرزندش تحقق یابد، بسر می برد<sup>(۱)</sup>.

---

۱. برای اثبات این مطلب دلایل زیادی وجود دارد که برای رعایت اختصار

---

➤ به همین مقدار از بحث اکتفا می‌کنیم. علاقمندان می‌توانند به منابع دیگر مراجعه کنند (مانند: الکوثر ج ۷ ص ۳۳۱ تا ۳۴۲، ج ۵ و...). و به خصوص به: (اعجاز سخنان امام زمان علیه السلام) که دلایل فراوانی را بر اثبات این مطلب از سخنان خود امام عصر علیه السلام در آنجا می‌یابند.

## گفتار دوم:

### رابطه تابع و متبوع

یکی از روابط بین ام الائمه فاطمه علیها السلام و بین فرزندش مهدی موعود علیه السلام رابطه تابع (پیرو) و متبوع (پیروی شده) می باشد، و با توجیهی می توان به لفظ «مرید» و «مراد» نیز تعبیر کرد. برای تفسیر و توضیح این معنای بلند (که از محدوده فهم و ادراک نگارنده بیرون است) باید دست به دامن سخنان خود معصومین علیهم السلام بشویم. برای اثبات وجود چنین رابطه ای، از چند روایت الهام می گیریم:

#### روایت اول

در کتاب «دلائل الامامة» طبری، از ابو بصیر نقل شده است که گفت: از امام محمد باقر علیه السلام راجع به مصحف <sup>(۱)</sup> فاطمه علیها السلام پرسیدم.

---

۱. مصحف: اوراق و صفحه هایی که بین دو جلد، بطور منظم جمع گردیده، و عبارت دیگر مصحف، کتاب می باشد.

دوران می باشد».

سپس فرمود: «و در آن مصحف نامهای همه آفریده‌های خداوند و اجل<sup>(۱)</sup>‌های آنها، و اوصاف اهل بهشت و شمار کسانی که وارد بهشت می‌شوند و شمار کسانی که وارد آتش می‌شوند، و نامهای بهشتیان و نامهای جهنمیان، (همه در آن آمده است). و در آن مصحف، دانش قرآن آنچنانکه نازل شده است، و دانش تورات آنچنانکه نازل شده است، و دانش انجیل آنچنانکه نازل شده است، و دانش زبور، وجود دارد. و شمار همه درختان و روئیدنی‌ها و شمار همه سنگ و کلوخ‌ها در همه سرزمین‌ها (در آن وجود دارد)».

سپس امام باقر علیه السلام فرمود: «چون خداوند تعالی اراده فرمود که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل را بر فاطمه زهرا علیها السلام بفرستد و آنان مصحف را به نزد او ببرند، پس آنان با مصحف نازل شدند و بر آن حضرت وارد شدند و این جریان در شب جمعه، ثلث دوم از شب بود. پس فرود آمدند با مصحف در حالیکه او ایستاده بود و نماز می‌خواند. پس فرشتگان در حال ایستاده ثابت بودند تا آن بانوی دو عالم نشست. و چون از نماز فارغ شد به او سلام کردند و عرض کردند: «خداوند به تو درود می‌فرستد» و آن مصحف را در دامن

---

۱. یعنی مدت زندگی و عمر آنها.

او گذاردند.»

ام الائمه علیهم السلام فرمود: «سلام از آن خداست و سلام از اوست، و بسوی او بر می‌گردد سلام، و بر شما باد سلام ای فرستادگان خداوند.»

پس از آن، فرشتگان بسوی آسمان بالا رفتند. پس ام الائمه علیهم السلام بعد از نماز صبح تا زوال خورشید پیوسته مشغول خواندن آن مصحف بود تا به آخر آن رسید.

سپس امام باقر علیه السلام فرمود:

«وَلَقَدْ كَانَتْ عَلَيْهِمُ السَّلَامَةُ مَفْرُوضَةً الطَّاعَةِ عَلَىٰ جَمِيعٍ مِّنْ خَلْقِ اللَّهِ مِنَ الْجِنِّ وَالانْسِ وَالطَّيْرِ وَالْوَحْشِ وَالانْبِيَاءِ وَالْمَلَائِكَةِ.»

«هر آینه به تحقیق، اطاعت از فاطمه زهرا علیها السلام بر تمام آفریده‌های خداوند، از جنّ و انس و پرندگان و درندگان و پیامبران و فرشتگان، واجب بود.»

عرض کردم: «فدایت شوم، آن مصحف بعد از درگذشت او به چه کسی رسید؟»

فرمود: «ام الائمه آنرا به امیرمؤمنان علی علیه السلام سپرد. چون علی علیه السلام درگذشت، بدست امام حسن علیه السلام سپرده شد، پس از او به حسین علیه السلام رسید، پس از او در نزد اهلش (کسی که اهلیت و شایستگی آن را دارد یعنی امامان اهل بیت علیهم السلام) می‌باشد تا



اینکه آنرا به صاحب این امر<sup>(۱)</sup> بسپارند».

عرض کردم: «همانا این علم، علم فراوان و زیادی است».

فرمود: «ای ابامحمد (کنیه ابابصیر)! همانا تمام آنچه برای تو توصیف کردم، در دو برگ اول آن مصحف است و آنچه از علوم و دانشها که در برگ سوم و بعد از آن است برای تو تعریف نکردم و حتی درباره یک حرف از آن هم صحبت نکردم»<sup>(۲)</sup>.

از این روایت بسیار مهم، فرازی که شاهد برای بحث ما است، همان جمله‌ای است که عین عبارت عربی آن آورده شد. در این عبارت، واجب بودن اطاعت از ام ابیها<sup>علیها السلام</sup> بر تمام آفریدگان، بصورت مطلق ذکر شده است و لفظ «انسانها و پیامبران» اطلاق دارد. از میان پیامبران و انسانها، رسول خاتم<sup>صلوات الله علیه</sup> پدر حضرت زهرا<sup>علیها السلام</sup>، و از میان انسانها، امیر مؤمنان علی<sup>علیه السلام</sup> شوهر حضرت فاطمه<sup>علیها السلام</sup>، با دلیل‌های خاص، استثناء و خارج شده‌اند (که جای بحث از دلیل‌های خاص در این مختصر نیست) ولی سایر ائمه طاهرین، از امام حسن و امام حسین تا مهدی موعود، صلوات الله علیهم اجمعین، تحت اطلاق کلام باقی می‌باشند. علاوه بر این دلیل، ادله فراوان دیگری نیز وجود دارد که ثابت می‌کنند که،

---

۱. یعنی صاحب امر ولایت، حضرت مهدی موعود<sup>علیه السلام</sup>.

۲. الکوثر - ج ۴ ص ۳۰۷ تا ۳۰۹.

ائمه علیهم السلام صرف نظر از سیمت مادری، بخاطر مقام علمی و مرتبه‌های والای دیگر حضرت زهرا علیها السلام، از او تبعیت می‌نمایند.

### روایت دوم

روایت دیگر از امام حسن عسگری علیه السلام است که فرمود:

«نحن حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ، وَفَاطِمَةُ علیها السلام حُجَّةٌ عَلَيْنَا»<sup>(۱)</sup>.

«ما (ائمه علیهم السلام) حجت خدا بر خلق خدا (آفریدگان) هستیم

و فاطمه علیها السلام حجت بر ما است.»

حجّت در نزد شیعه، آن انسان کاملی است که انسانهای دیگر را به سوی کمال مطلق یعنی خداوند، راهنمایی می‌کند و بعبارت دیگر الگو برای انسانهای پیرو خود می‌باشد. در این روایت شریف تصریح شده به الگو بودن و حجّت بودن ام‌الائم علیهم السلام برای امامان که فرزندان معصوم او می‌باشند.

### روایت سوم

روایت دیگر، توقیع شریفی است از حضرت ولی عصر عجل

الله تعالی فرجه که در آن آمده است:

---

۱. الکوثر ج ۱ ص ۱۱۴ ح ۲. روایت ۲ از ج ۳ الکوثر ص ۱۲۹ نیز مانند این

روایت می‌باشد.

«وفى ابنة رسول الله ﷺ لى أسوة حسنة...»<sup>(۱)</sup>.

در این جمله امام زمان علیه السلام با صراحت، دختر گرامی رسول خدا، ام الائمه علیهم السلام را الگو و متبوع خود معرفی فرموده است و مادرش فاطمه زهرا علیها السلام را مقتدا و پیشوای خود می داند. برای اثبات حجّت بودن و مقتدا بودن دختر رسول خدا برای فرزندان معصوم او، امامان شیعه و ائمه اهل بیت علیهم السلام همین چند روایت کافیست و رابطه تابعت و پیروی مهدی موعود علیه السلام از ام الائمه علیهم السلام بدین وسیله احراز می شود.

---

۱. الکونج ۱ ص ۱۱۵.

گفتار سوم:

### رابطه معلّم و متعلّم

برای اثبات این رابطه، مطالعه روایاتی که مصحف حضرت فاطمه علیها السلام در آنها مطرح شده است، ما را از آوردن دلیل‌های دیگری بی‌نیاز می‌کند. روایات مصحف فاطمه علیها السلام زیاد است.

ائمه طاهرین علیهم السلام در مورد ارتباط داشتن دانش خودشان، با مصحف ام الائمه علیها السلام افتخار می‌کردند و بر خود می‌بالیدند، و در برخی قضایا، و بیان بعضی مطالب، به مصحف حضرت زهرا علیها السلام استناد می‌نمودند، و آن را از منابع بسیار مهم علم و دانش خود معرفی می‌فرمودند. تا آنجا که علی علیه السلام باب شهر علم نبی، و کسی که آیه ﴿وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾<sup>(۱)</sup> در شأن او گفته شده، به دو چیز بر خود می‌بالید و می‌فرمود:

«وَلَقَدْ أُعْطِيتُ حَرْفًا يَفْتَحُ الْفَ حَرْفٌ، وَلَقَدْ أُعْطِيتُ زَوْجَتِي مَصْفَحًا فِيهِ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَسْبِقْهَا إِلَيْهِ أَحَدٌ، خَاصَّةً مِنَ اللَّهِ

۱. سوره یس - آیه ۱۲.

« وفي ابنة رسول الله ﷺ لي أسوة حسنة... »<sup>(۱)</sup>.

در این جمله امام زمان علیه السلام با صراحت، دختر گرامی رسول خدا، ام الائمه علیهم السلام را الگو و متبوع خود معرفی فرموده است و مادرش فاطمه زهرا علیها السلام را مقتدا و پیشوای خود می داند. برای اثبات حجّت بودن و مقتدا بودن دختر رسول خدا برای فرزندان معصوم او، امامان شیعه و ائمه اهل بیت علیهم السلام همین چند روایت کافیست و رابطه تابعیت و پیروی مهدی موعود علیه السلام از ام الائمه علیهم السلام بدین وسیله احراز می شود.

---

۱. الکونج ۱ ص ۱۱۵.

ورسوله»<sup>(۱)</sup>.

«به من حرفی از علم داده شده، که راهگشای هزار حرف است، و به همسر مصحفی داده شد که در آن چیزهایی از دانش وجود دارد که هیچکس به آن دانش‌ها بر او پیشی نگرفته است (و قبل از او به هیچکس داده نشده). و این یک خصوصیت و ویژگی است که از طرف خدا و رسولش به ما عطا شده.»

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام فرمودند: «... نزد ما مصحف فاطمه علیها السلام است، و نمی‌دانند که مصحف فاطمه علیها السلام چیست؟ سه برابر این قرآن است که نزد شما است و حتی یک حرف از قرآن هم در آن نیست (یعنی علمی است غیر از علوم قرآن) و آن چیزی است که خداوند برای فاطمه علیها السلام املاء کرده و به او وحی فرموده است...»<sup>(۲)</sup>.

شرح و توضیح این حدیث، در این مختصر نمی‌گنجد و نگارنده نیز در توان خود نمی‌بیند که از عهده تفسیر کامل آن برآید. روایات زیاد دیگری درباره مصحف فاطمه علیها السلام آمده است و از مجموع روایات بدست می‌آید که فاطمه علیها السلام مصحف‌های متعددی داشته است. بعضی از آنها با خط علی علیه السلام نوشته شده، در وقتی که

---

۱. الکوثر ج ۴ ص ۳۲۶.

۲. الکوثر ج ۴ ص ۳۱۲.

فرشته، آن علوم را به حضرت صدیقه طاهره علیها السلام وحی - حدیث - می‌کرده است. و بعضی از آنها به املاء خود پروردگار بوده. و بعضی از آنها بصورت کتابی که دارای جلد و برگه و صفحات بوده، توسط فرشتگان مقرب، بر آن بانوی بانوان دو عالم، با تشریفات مخصوصی نازل شده است.

آنچه مسلم می‌باشد اینست که این مصحف‌ها یکی از منابع بسیار مهم علوم امامان معصوم ما بوده و همه آنها امروز در اختیار مهدی موعود، فرزند زهرا علیها السلام است و جزء منابع مهم علوم آن حضرت به شمار می‌آید و رابطه تعلیم و تعلم را بین ام‌الائم علیهم السلام و بین منجی بزرگ، مهدی موعود علیه السلام برقرار می‌سازد<sup>(۱)</sup>.

---

۱. برای اطلاع بیشتر از روایات مصحف حضرت فاطمه علیها السلام به الکوثرج ۴، و منابع دیگر، مراجعه کنید.

## گفتار چهارم:

### رابطه وارث و مورث

برای اثبات این رابطه نیز دلایل فراوانی وجود دارد، یکی از این ادله، روایات مصحف فاطمه علیها السلام است، که بیان می‌کنند که حضرت مهدی موعود علیه السلام مصحف را از مادر گرامی خود، ام الائمه علیها السلام به ارث برده است.

دلیل دیگر، عباراتی است که در زیارت‌های ائمه علیهم السلام می‌خوانیم، از جمله زیارت وارث که در کتاب شریف مفاتیح الجنان نیز آمده است. بخصوص در زیارت امام هشتم، حضرت رضا علیه السلام عرض می‌کنیم:

«السلام عليك يا وارث فاطمة الزهراء:

سلام ما بر تو ای وارث فاطمه زهرا علیها السلام».

دلیل این قسمت از بحث (رابطه وارث و مورث) بسیار روشن است و نیازی به بررسی بیشتر ندارد، زیرا فرزند هم وارث خُلق و خوی مادر است و هم وارث علوم و کمالات مادر. و درباره



ائمه عليهم السلام این مطلب با دلیل به اثبات رسیده است.  
بنابر این مهدی موعود علیه السلام وارث فاطمه زهرا علیها السلام است و ام  
ابیه علیها السلام مورث او است و رابطه وارث و مورث بین این مادر  
و فرزند در همه کمالات ثابت است.

## گفتار پنجم:

### رابطه مشكاة (۱) و نور

در تفسیر آیه نور (سوره نور آیه ۳۵) روایاتی وارد شده است. در مورد تفسیر مشكاة در این آیه ﴿...مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ...﴾ روایات مذکور، دو دسته می‌شوند. در بعضی از روایات، مشكاة تفسیر شده به فاطمه علیها السلام، و در بعضی دیگر از روایات، مشكاة تفسیر شده به سینه و قلب حضرت محمد صلی الله علیه و آله که با توجه به روایات دیگری که پیامبر اکرم فرمودند: «وهی قلبی التي بین جنبتی»<sup>(۲)</sup> یعنی فاطمه قلب من است که در سینه من وجود دارد، این دسته دوم نیز مانند دسته اول می‌باشد. بهر حال هر دو دسته روایات در تفسیر مشكاة به یک حقیقت بر می‌گردند و آن حقیقت وجود مبارك فاطمه زهرا علیها السلام است.

نور خدا در این آیه نیز، در روایات، تفسیر شده به امامان

۱. مشكاة = چراغدان.

۲. الكوثر ج ۲ ص ۳۴.

اهلیت علیها السلام. بنا بر این وجود مقدس فاطمه علیها السلام مشکات و چراغدان  
و جای نور ائمه علیهم السلام می باشد و این انوار پاک از وجود مقدس  
فاطمه علیها السلام بوجود آمده و نور افشانی می کنند. پس رابطه بین  
ائمه علیهم السلام از جمله مهدی موعود علیه السلام و بین ام الائمه علیهم السلام، رابطه  
مشکاة و نور می باشد<sup>(۱)</sup>.

---

۱. برای آگاهی بیشتر از این روایات در تفسیر آیه نور به الکواثر ج ۲، ص  
۳۰ و ۳۵ مراجع گردد.

## گفتار ششم:

### رابطه مادر و فرزند

روایاتی که مهدی موعود علیه السلام را از اولاد فاطمه علیها السلام معرفی می‌کند، از طریق شیعه و سنی متواتر است. در اینجا فقط به یک روایت اشاره می‌کنیم: ابو ایوب انصاری نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مرضی که به سبب آن رحلت نمود، به فرزندش فاطمه زهرا علیها السلام چنین فرمود:

«والذي نفسي بيده، لا بُدَّ لهذه الأمة من مهديٍّ، وهو والله من وُلْدِكَ»<sup>(۱)</sup>.

«قسم به آنکس که جانم در دست اوست، این امت قطعاً هدایت کننده‌ای خواهد داشت، و او بخدا سوگند، از فرزندان تو است.»  
به هر حال رابطه مادر و فرزندى بین فاطمه علیها السلام و بین مهدی موعود علیه السلام را شیعه و سنی قبول دارند و جای تردید و بحث نیست<sup>(۲)</sup>.

۱. الکوثر، ج ۷، ص ۳۳۲، ح ۵.

۲. برای آگاهی بیشتر از این دسته روایات، از طریق سنی و شیعه، به الکوثر، ج ۷، ص ۳۳۱، تا ۳۴۲ و کتاب منتخب‌الاثر مراجعه کنید.

## گفتار هفتم:

### رابطه ولی و مؤلفی علیه

مقام عصمت کبری، فاطمه زهرا علیها السلام، دارای ولایت کلیه الهی می باشد و این حقیقت را می توان از دلایل زیادی بدست آورد. از جمله روایتی از امام محمد باقر علیه السلام است که در گفتار دوم (رابطه تابع و متبوع) ذکر شد، و در آن روایت این مطلب تصریح شده بود که اطاعت از او بر تمام آفریده های خداوند واجب است. و همچنین در دو روایت دیگر نیز که در گفتار دوم نقل شد، به این حقیقت اشاره شده است.

از جمله این دلایل، روایاتی است که در جلد ۱ کتاب الکوثر، باب «عرض ولایت فاطمه علیها السلام بر آسمانها و زمین» آورده شده، و بخصوص این حدیث: «خداوند بر آسمانها و زمین و کوهها فرمود اینها (ارواح طیبه محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه بعد از ایشان صلوات الله علیهم أجمعین) دوستان من

و اولیای من و حجت‌های من بر مخلوقات می‌باشند...»<sup>(۱)</sup>.  
و همچنین در روایت دیگری آمده است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه نفر از اولاد حسین ﷺ، حجت‌های خداوند بر خلق او هستیم، دشمنان ما دشمنان خداوند و دوستان و پیروان ما دوستان خداوند»<sup>(۲)</sup>.  
و نیز از دلایل این بحث، عبارتی است که در زیارت وارث و یا زیارت هر یک از ائمه ﷺ می‌خوانیم که:

«السلام عیک یا وارث فاطمة الزهراء ﷺ».

و روشن است که ائمه ﷺ که مخاطب به این خطاب می‌باشند، وارث ولایت حضرت زهرا ﷺ می‌باشند و مراد از ارث، همان ارث ولایت است.

اگر در ذهن انسانهای مریض شبهه‌ای ایجاد شود که فاطمه ﷺ زن است و زن در اسلام دارای مقام ولایت و رهبری نمی‌تواند باشد، جواب چنین افرادی را، هم روایاتی که به آنها اشاره شد می‌دهد و هم روایتی که رسول خدا ﷺ در شأن او فرمود:

«وهی امرئة بافضل رجال العالمین»<sup>(۳)</sup>.

۱. الکوثر، ج ۱، ص ۹۶، ح ۲.

۲. الکوثر، ج ۳، ص ۱۲۹.

۳. الکوثر، ج ۱، ص ۲۵۹.

او زن است اما از مردان دو عالم برتر است .  
دلیل‌های زیاد دیگری را هم می‌توان آورد ولی همین روایاتی  
که به آنها اشاره شد کافی است و رابطه ولایتی فاطمه علیها السلام و مهدی  
موعود علیه السلام و بالعکس ثابت و شفاف است و نیازی به بحث و بررسی  
بیشتر نیست .

## گفتار هشتم:

### رابطه تربیتی بین فاطمه زهرا علیها السلام و مهدی موعود علیه السلام

به اذن پروردگار، روح بزرگ مقام عصمت کبری سلام الله علیها در هدایت و پرورش آفریده‌های خداوند به سوی کمال، نقش دارد. این مرتبه و مقام را برای فاطمه علیها السلام از روایاتی می‌توان بدست آورد.

از جمله این روایات، احادیثی است که در مورد ابتدای خلقت نور شریف آن حضرت وارد شده است. از این دسته از روایات، چنین بدست می‌آید که خداوند، نخست انوار محمد و آل طیبین او (صلوات الله علیهم اجمعین) را از نور خود آفرید و چیزی را پیش از آنها نیافریده بود. سپس از نور آنها همه ممکنات را آفرید و نور این برگزیدگان، تسبیح و تهلیل و تکبیر خدا کردند و فرشتگان و موجودات دیگر، از آنها آموختند. و از نور فاطمه علیها السلام آسمانها و زمین را آفرید و از جهت سلسله مراتب، نخستین مخلوق، نور محمد و علی و فاطمه علیهم السلام بود. بعد از این سه نور، نور حسن



و حسین علیه السلام را آفرید و بعد از نور حسین علیه السلام نور نه امام پس از او را آفرید. نخست انوار پاک محمد و علی و فاطمه علیها السلام به اطاعت خداوند فرا خوانده شدند، و ایشان خدا را اطاعت کردند. در مرتبه بعدی حسن و حسین علیهما السلام به اطاعت خداوند فراخوانده شدند، و ایشان نیز خدا را اطاعت کردند و در مرتبه سوم، ائمه از نسل حسین علیه السلام به اطاعت خداوند فرا خوانده شدند و ایشان نیز خدا را اطاعت کردند. بنابراین اطاعت فاطمه علیها السلام از خداوند در رتبه مقدم بوده و پیروی رتبه بعدی از رتبه قبلی، روشن است.

در روایت مهم دیگری، این مضمون آمده است که خداوند هزاران هزار روزگار (دهر) پیش از خلق همه چیز، محمد و علی و فاطمه علیها السلام را آفرید، و ایشان را شاهد بر آفرینش مخلوقات دیگر قرار داد، و اطاعت از ایشان را بر تمامی اشیاء جریان داد و امر (ارشاد و هدایت) اشیاء را به آنان واگذار نمود، و ایشان نمایندگان و خلفای خداوند می باشند، .. و هر کاری می کنند با اذن و اراده خداوند انجام می دهند. ما از این روایات که شمار آنها بسیار زیاد است بدست می آوریم که انوار محمد و علی و فاطمه علیها السلام در حقیقت مرئیان جهان و فرشتگان و انسانها می باشند و خداوند این اذن را به ایشان داده، همچنانکه در تحت امر و طاعت از ایشان (محمد و علی و فاطمه علیها السلام) مرئیان عالم و آدم (یعنی ائمه علیهم السلام) را

نیز قرار داده است<sup>(۱)</sup>.

در اینجا مناسب است به مطلب جالب و مهمی در رابطه با تربیت ائمه علیهم السلام بطور عموم، و امام زمان علیه السلام بطور خصوص، به دست با کفایت مادرشان فاطمه علیها السلام اشاره کنیم.

در روایت «حکیمه علیها السلام» در باره ولادت امام زمان علیه السلام چنین آمده است: امام حسن عسکری علیه السلام در پاسخ سؤال عمه‌اش حکیمه علیها السلام که پرسید: «این پرنده که نوزاد را به او سپردی چه بود؟» فرمود:

«هذا روح القدس الموکل بالائمة علیها السلام یوفقهم ویسددهم ویربهم بالعلم»<sup>(۲)</sup>.

«این روح القدس بود که موکل است به ائمه علیهم السلام، که ایشان را موفق می‌دارد (متناسب و درست راهنمایی می‌کند) و به راه راست، بی‌عیب و نقص رهنمون می‌شود، و با علم، ایشان را تربیت و پرورش می‌دهد.»

از سوی دیگر در روایات می‌خوانیم که مراد از روح القدس، وجود مبارک حضرت فاطمه علیها السلام است. امام صادق علیه السلام در تفسیر

---

۱. برای آگاهی بیشتر از این گونه روایات به الکوثر، ج ۱، باب ابتداء خلقت نور فاطمه علیها السلام مراجعه کنید.

۲. بحار، ج ۵۱، ص ۱۴ - القطرة، ج ۲، ص ۴۹۵.

«روح» در سوره قدر فرمودند:

«والروح روحُ القدس وهي فاطمة عليها السلام...»<sup>(۱)</sup>.

به هر حال از جهت تربیت و پرورش جسمی و فکری و کمالات علمی و معنوی و... محیط زندگی خانوادگی، و دامن مادر، اگر چه با واسطه باشد، به اضافه عوامل موروثی صفات و اخلاق و...، نقش مادر قابل انکار نیست. بنابراین رابطه پرورش و تربیت بین ام الائمه علیهم السلام و مهدی موعود علیه السلام در ردیف دیگر روابط ثابت است.

---

۱. «سوره قدر جلوه گاه ولایت» ص ۴۲۵، به نقل از تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۸۷.

گفتار نهم:

### رابطه امر و مأمور

در مورد «امر» بحث‌های علمی و فنی مانند بالاتر بودن مقام در رتبه امر کننده، شناخت اقسام اوامر (مولوی یا ارشادی، وجوبی یا غیر وجوبی، و...) و... وجود دارد، که با صرف نظر از این بحث‌ها، در محدوده عرف عام، و شرع، مسأله را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

از نظر شرع مقدس اسلام، فی الجملة و در مواردی، امر پدر و مادر باید اطاعت شود، و بر فرزندان واجب است که فرمان والدین خود را انجام دهند. اینکه اطاعت فرزندان از والدین خود در چه مواردی واجب است، مربوط به فقه است و جای بحثش در اینجا نیست، و همین مقدار کافی است که بدانیم از نظر عرف و شرع، انجام فرمان پدر و مادر در برخی موارد بر فرزندان الزامی است.

اضافه بر این روایاتی وجود دارد که خود ائمه علیهم‌السلام بیان کرده‌اند

که مادر ایشان، عصمت کبری فاطمه زهرا علیها السلام برای ایشان مقتدا  
و حجت می باشد.

بنابراین رابطه فرماندهی و فرمانبرداری بین ام الائمه،  
حضرت زهرا علیها السلام و بین فرزندش مهدی موعود علیه السلام ثابت می گردد.

## گفتار دهم :

### رابطه لیلۃ القدر و نزول نور امامت در آن

برای اثبات این حقیقت، باید به روایاتی که در تفسیر سوره قدر وارد شده مراجعه کنیم و با تأویل سوره قدر از زبان معصومین علیهم السلام آشنا شویم.

در روایتی از امام صادق علیه السلام، « لیلۃ القدر » به وجود مبارک فاطمه علیها السلام تفسیر شده است. در تفسیر « شریف لاهیجی » روایتی از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند: « مراد از لیلۃ مبارکه ( در سوره دخان ) فاطمه علیها السلام است ». از نظر روایات و تفاسیر، لیلۃ القدر ( در سوره قدر ) و لیلۃ مبارکه ( در سوره دخان ) به یک معنا می باشند و هر دو یکی هستند.

در همان تفسیر، مرجع ضمیر در « انزلناه » را به امیر مؤمنان علی علیه السلام تأویل کرده است. از بعضی روایت هم بدست می آید که مرجع این ضمیر « نور » می باشد. ظاهر تمامی تفاسیر و برخی روایات هم اینست که مرجع این ضمیر، « قرآن » می باشد. با کمی

تأمل روشن می‌شود که این سه، در واقع یک چیز هستند. قرآن در حقیقت نور است، وجود امام معصوم علیه السلام هم که قرآن ناطق می‌باشد، نور است.

مراد از «ملائکه» نیز، بنا به روایتی از امام موسی بن جعفر علیه السلام، در واقع وجود امامان معصوم علیهم السلام می‌باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس فاطمه علیها السلام را بشناسد و به حق معرفت او برسد، لیلۃ القدر را دریافته و درک کرده است.» بحث و بررسی در مورد تفسیر سوره قدر بسیار زیاد و مهم است و در این گفتار نمی‌گنجد<sup>(۱)</sup>.

در این گفتار برای اثبات این رابطه، به همین مقدار بسنده می‌کنیم و با همین مختصر، بحث رابطه وجود ائمه علیهم السلام و بخصوص در این زمان، رابطه حضرت مهدی علیه السلام بالیلۃ القدر، یعنی وجود با برکت کوثر رسالت، ام‌الائم علیهم السلام به اثبات می‌رسد، و آن، رابطه نزول انوار امامت در شب قدر و بوجود آمدن مردان حکیم یعنی امامان نور و حکمت، و قرآن‌های ناطق، از وجود مبارک کوثر رسالت که همان لیلۃ القدر است، می‌باشد. در حقیقت لیلۃ القدر

---

۱. علاقمندان به آگاهی از شرح و تفسیر سوره قدر از نظر تفاسیر سنی و شیعه، و روایات مربوط به آن، به کتاب «سوره قدر، جلوه‌گاه ولایت» اثر این نگارنده مراجعه نمایند. و نیز به روایات کتاب الکوثر ج ۱، ص ۴۹۲، وج ۲، ص ۱۵۵ مراجعه کنید.

وليلة المباركة (در سوره قدر و دخان) و «الكوثر» (در سوره كوثر)، مانند دو روی یک سکه می باشند، سکه ای که یک روی آن كوثر است و روی دیگرش ليلة القدر<sup>(۱)</sup>.

---

۱. در کتاب «سوره قدر جلوگاه ولایت»، مطالبی در مورد «روح» که در شب قدر نازل می شود، و روایاتی که این روح را به روح القدس تفسیر می کنند، و روایاتی که ائمه علیهم السلام را مؤید به روح القدس معرفی می کنند و روایاتی که روح القدس را به وجود فاطمه علیها السلام تأویل می کنند، آورده شده است، که علاقمندان می توانند به آنجا مراجعه کنند و نگارنده بی بضاعت در آن مراتب و معارف بالا وارد بحث نمی شوم. علاوه بر کتاب مزبور، به کتاب بحار الانوار ج ۲۵، ص ۴۷ به بعد، مراجعه کنید.



## گفتار یازدهم:

### رابطه محبت بین دو حبیب

محبت از صفات ارزشی و کمال است، از این جهت ذات پروردگار که همه کمالات در او جمع است، محبتش به ذات خود بی نهایت است، و همه محبت‌ها در جهان هستی از جانب او افاضه شده است.

در مرتبه بعد از ذات خداوند، این صفت کمال در وجود انسان کامل، سرآمد همه کمالات همه مخلوقات خداوند می باشد، بلکه بالاتر، هر کمال و ارزشی که در آفریده‌ها وجود دارد بواسطه انسان کامل و از راه زیدگان آفرینش به دیگران رسیده است.

محبت انسان کامل به انسان کامل دیگر در حقیقت به محبت به ذات پروردگار برمی گردد، زیرا انسان کامل مظهر اسماء حسناى خداوند می باشد و محبت به او، محبت به اسماء الله الحسنی است. محبت انسان کامل به خداوند، و به انسان کامل دیگر، بالاتر از تصور انسان‌های معمولی، و بلکه بالاتر از تصور فرشتگان مقرب

است زیرا محبت زائیده معرفت است، و هر اندازه معرفت بیشتر باشد محبت و شوق هم بیشتر خواهد بود، و روشن است که پایه معرفت انسانهای کامل به خداوند و به انسانهای کامل دیگر، از حد تصور دیگران بالاتر است. از این جهت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ای علی! خدا را غیر از من و تو، کسی نشناخت، و من را غیر از خدا و تو، کسی نشناخت، و تو را غیر از خدا و من، کسی نشناخت»<sup>(۱)</sup> و نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ندیده است مرا در این دنیا بر آن حقیقتی که خداوند مرا به آن حقیقت آفریده است، غیر از علی بن ابی طالب علیه السلام»<sup>(۲)</sup>.

وجود مبارک ام الائمه علیهم السلام و مهدی موعود علیه السلام، هر دو انسانهای کامل می باشند و معرفت در هر دوی ایشان از حد تصور ما بالاتر است، از این جهت اگر محبت ام الائمه علیهم السلام را به مهدی موعود علیه السلام و نیز بر عکس، محبت امام زمان علیه السلام را به مادرش فاطمه علیها السلام، به «بی نهایت» (بی نهایت نسبی) تعبیر کنیم، سخنی به واقع گفته ایم. علاوه بر جنبه فوق، محبت و عاطفه مادر و فرزند هم بین این دو بزرگوار وجود دارد، که آن هم بالاتر از حد انسانهای معمولی است زیرا هر چه معرفت بالاتر باشد، محبت نیز بالاتر خواهد بود.

۱. القطرة - ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۱۵۳/۲۴۶.

۲. همان مصدر - ح ۱۵۲/۲۴۵.

بالخصوص مادری که تمام امیدها و آرزوهایش در وجود همین فرزند عزیز خلاصه شده و بوسیله او تحقق پیدا خواهد کرد.

وقتی به روایات مراجعه می‌کنیم می‌بینیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام عشق و علاقه‌ای فوق ادراک ما به بانوی بانوان دو عالم و ام ایها سلام الله علیها داشتند و همگی به او می‌بالیدند. به این تعبیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باره دختر عزیزش فاطمه علیها السلام دقت کنید:

«وهي قلبي التي بين جنبي».

«فاطمه قلب وروح من است»<sup>(۱)</sup>.

این تعبیر، نشان دهنده محبت بی‌نهایت رسول خدا صلی الله علیه و آله به ام ایها سلام الله علیها است، درست عین همین محبت، با همین درجه و شدت، بین فاطمه زهرا سلام الله علیها و مهدی موعود علیه السلام وجود دارد و رابطه بین محب و محبوب، بصورت دو طرفه بین ایشان، به اثبات می‌رسد.

باید توجه داشت که محبت این مادر و فرزند که هر دو انسان کامل و حجت خدایند، به یکدیگر، از این عشق و محبت‌های معمولی که سمبل آنها لیلی و مجنون و... می‌باشد، نیست. عشق و محبت ایشان، عشقی خداگونه است، عشق به همه اسماء الله

---

۱. الکوثر، ج ۲، ص ۲۴.

الحسنی، و عشق به تمام زیباییهای ظاهری و معنوی و کمالات الهی است. عشق‌های مثال زدنی در بین انسانها، قطره است اما محبت یک حجت خدا به حجت خدای دیگر را حتی به دریا و اقیانوس هم نمی‌توان مثل زد و تنها می‌توان از تعبیر «بی‌نهایت» یا «فوق تصور» و امثال اینها برای فهم ما استفاده کرد. عشق و محبت در این افق و مرتبه بالا، یکسره جذب شدن در کمال مطلق و زیبایی مطلق، و تمامی خوبی‌ها است. آری! آنچه خوبان (یعنی انبیاء و اولیاء و بندگان خالص خدا) همه دارند، این مادر (ام‌الائمہ علیہم‌السلام) و فرزند (مهدی موعود علیہ‌السلام) تنها دارند.

## گفتار دوازدهم:

### رابطه سبب و مسبب

در روایات مربوط به ابتدای خلقت آمده است که خداوند نخست نور محمد و علی و فاطمه علیهم السلام را آفرید و از نور ایشان، نور حسن و حسین علیهم السلام را آفرید و از نور حسین علیه السلام انوار نه نفر دیگر از امامان معصوم علیهم السلام را بوجود آورد. از نظر روایات مسلم است که پیدایش انوار ائمه علیهم السلام از نور فاطمه علیها السلام است. در حدیث قدسی آمده است که خداوند فرمود:

«یا احمد! لولاك لما خلقت الافلاك، ولولا علی لما خلقتك ولولا

فاطمه لما خلقتكما».

«ای احمد! اگر تو نبودی جهان را نمی آفریدم، و اگر علی علیه السلام نبود تو را نمی آفریدم، و «اگر فاطمه علیها السلام نبود شما دو نفر را نمی آفریدم»<sup>(۱)</sup>.

آری! آفرینش بر محور وجود این بانوی صاحب جلال

---

۱. به این روایات مشابه آن در الکوثر، ج ۱، ص ۱۱۱ تا ۱۱۳ مراجعه کنید.

و جمال الهی دور می زند، چنانکه رضا و خشنودی آفریدگار جهان بطور مطلق بر محور رضا و خشنودی او دور می زند<sup>(۱)</sup>.

چرا ام ابیها علیها السلام چنین نباشد در حالیکه رسول خدا در باره او فرمود: «خداوند تمام وجود دخترم را از ایمان و یقین پر کرده است (لحظه‌ای از عبادت و اطاعت خدا غفلت ندارد)»<sup>(۲)</sup>.

فاطمه علیها السلام چنان غرق در توجه به خدا بود که در وقت نماز شب، هنگامی که فرشتگان مقرب خدا (میکائیل، اسرافیل، جبرائیل) برای تقدیم مصحف به حضور آن حضرت رسیدند، آنقدر سرپا ایستادند و انتظار کشیدند تا ام ابیها علیها السلام از نماز فارغ شد و آنگاه مصحف را به پیشگاه مقدس او تقدیم کردند. او در همه حال غرق در توجه الی الله بود و بخصوص در حال نماز به همه کائنات بی توجه بود و از غیر خدا یکسره می برید و تنها با آفریدگار و معبود و محبوب خود سر و کار داشت و بس. خداوند هم بیشتر از همه، به فاطمه علیها السلام توجه دارد و او را سبب آفرینش خود قرار داده است. باید دقت نمود که رمز و راز «ام ابیها، و روحی التي بین جنبی» در کجا نهفته است.

علاوه بر جنبه فوق، از نظر جسمانی و طبیعی نیز، روشن است

---

۱. الکوثر، ج ۳، ص ۲۳۳، ح ۱۶ و ۱۷.

۲. الکوثر، ج ۴، ص ۲۷، ح ۴.

که فرزند از اجزاء پدر و مادر و مسبب از ایشان، و ادامه زندگی آنها است.

بنابراین رابطه سبب و مسبب بین ام‌الائمہ علیہم السلام و بین مهدی موعود علیہ السلام به اثبات می‌رسد.

## گفتار سیزدهم:

### رابطه مظلوم و منتقم

ظالمین، حق فاطمه علیها السلام را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امر خداوند به او واگذار کرده بود، غصب کردند و وکلا و متصدیان ملک او را با زور از فدک بیرون کردند. آنان حق شوهر گرامی او، علی علیه السلام را نیز که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به دستور خداوند و در غدیر خم و موارد دیگر برای او تعیین کرده بود و خلافت و ولایت او را برای امت اسلامی بعد از خود به مردم ابلاغ نموده بود، با توطئه و حزب بازی و زد و بند سیاسی و زور و قلدری، از امیر مؤمنان علی علیه السلام سلب کردند. زهرا سلام الله علیها به طرفداری از شوهر گرامیش علی علیه السلام برخاست و از حق ولایت او دفاع کرد و در این راه فداکاری نمود و آسیب‌های فراوان دید.

هنوز صدای فریاد فاطمه علیها السلام از بین در و دیوار به گوش می‌رسد، آن هنگامی که فشار در را بر پهلوی مبارکش وارد کردند، و به او تازیانه و سیلی و غلاف شمشیر زدند. آری! به سبب



این ضربت‌ها محسن شش ماهه که در شکم داشت سقط شد و بدن مبارکش آزرده و مجروح شد. او فریاد زد و در ظاهر فضا را به کمک طلبید، اما فریاد دلش با تمام وجود این بود که: مهدی جان، فرزندم! بیا به کمک مادرت بشتاب، بیا که فرزندم را کشتند و مرا نیز در بستر شهادت قرار دادند. ای پاره جگرم و آرامش جانم و ای تمام امید مادر! مهدی جان! بیا که ریسمان به گردن پدرت علی علیه السلام افکنده‌اند و او را کشان کشان نزد ابوبکر می‌برند و می‌خواهند به زور از او بیعت بگیرند یا او را بکشند. فرزند عزیزم! این منافقان برای رسیدن به خواسته‌های دلشان یعنی تصاحب قدرت و برگشت به شرک جاهلیت و انتقام خون مشرکین کشته شده به دست پدرت علی علیه السلام، حرمت خاندان پیامبر را رعایت نکردند و هر ظلمی را بر ما روا داشتند و عقده‌ها و کینه‌های گذشته را بر سر اهل بیت رسالت خالی کردند<sup>(۱)</sup>. فرزندم! بیا و اسلام جدت رسول الله صلی الله علیه و آله را از خطر نابودی به دست این منافقان و پیروان آنها نجات بده و کاخ ظلم و ستمی را که به دست این ناپاکان پی‌ریزی شده ویران کن، و بنای عدالت را محکم و استوار گردان، و انتقام خون مادرت و فرزند سقط شده‌اش را، و انتقام خون اجدادت را از این ظالمین و همدستان آنها بگیر. ما

۱. شاهد این مطلب نامه عمر برای معاویه است. الکوثر، ج ۵، ص ۳۴۵.

این ندای دل فاطمه علیها السلام را باور داریم و هنوز با گوش جان، آن را می شنویم.

در روزهای آخر عمر با برکت رسول خدا صلی الله علیه و آله، جبرئیل از جانب خداوند، وصیت را نزد رسول خدا و اهل بیت او آورد تا از آنان امضاء قبولی وصیت را بگیرد، زیرا در این وصیت، ظلمها و هتک حرمتهایی که بدست منافقین بر اهل بیت و علی علیه السلام و خاندان او باید در مقابل آن آسیبها و ظلمها، بخاطر مصلحت اسلام، صبر و تحمل می کردند، بیان شده بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله از شنیدن این وصیت و محتوای آن به گریه افتاد. فاطمه علیها السلام هم صدایش به گریه بلند شد پیامبر از او پرسید: «دخترم! چرا گریه می کنی؟». عرض کرد: «می ترسم بعد از شما احترام و حق ما را از بین ببرند.» رسول خدا صلی الله علیه و آله او را تسلی داد و او را با دو بشارت، راضی و خشنود ساخت.

بشارت اول این بود که فرمود: «سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، قطعاً این امت یک مهدی خواهد داشت. و او - به خدا سوگند - از فرزندان تو است»<sup>(۱)</sup>.

در روایت دیگر آمده است که آن حضرت فرمود: «جبرئیل به من خبر داده که ظلمها بر اهل بیت می شود و حق ایشان غصب

---

۱. الکواثر، ج ۷، ص ۳۳۲.

می شود، و شهید می شوند، هنگامی که قائم ایشان قیام کند، انتقام ایشان گرفته می شود»<sup>(۱)</sup>.

در روایت دیگر، امام صادق علیه السلام فرمود:

«اذا قام قائمنا انتقم الله لرسوله ولنا اجمعين.»

«هنگامی که قائم ما ظهور کند و قیام نماید، خداوند انتقام رسول خدا و ما اهل بیت را خواهد گرفت.»

و بنابر روایت دیگر، هنگامی که مهدی موعود علیه السلام قیام نماید، فتنه منافقان را که شدیدتر از فتنه عجل و سامری است از بین می برد و منافقان را به آتش کشیده و آنان را خواهد سوزاند<sup>(۲)</sup>.

آری! فاطمه علیها السلام در آن حالت غم انگیز و دلخراش و بحرانی، تمام امیدش به فرزندش مهدی موعود علیه السلام بود و با سوز دل او را می خواند.

اما بشارت دوم که از شنیدن آن، لبخند بر لبان مبارک فاطمه علیها السلام نقش بست، این بود که فرمود: «فاطمه جان! ماندن تو در دنیا بعد از من بسیار کم است و اولین کسی که به من ملحق خواهد شد تو هستی»<sup>(۳)</sup>.

---

۱. الکوثر، ج ۵، ص ۳۲۹.

۲. الکوثر، ج ۵، ص ۵۰۱.

۳. الکوثر، ج ۵، ص ۲۶۶.

با این مقدار بررسی مختصر معلوم شد که رابطه بین امامیها علیهم السلام  
و مهدی موعود علیه السلام، رابطه مظلوم مقتول مغضوب الحق، و منتقم  
گیرنده حق می باشد.

## گفتار چهاردهم:

### رابطه منتظر و منتظر

اگر با دقت و توجه، به معنا و ماهیت انتظار بیندیشیم و ابعاد مختلف آن را در نظر بگیریم، در خواهیم یافت که بعد از ذات پاک خداوند، حضرت فاطمه سلام الله علیها از سران و پیشوایان منتظرین است و از همه دلسوخته تر و چشم‌انتظاریش بیشتر می‌باشد. برای روشن شدن مطلب، به بررسی مختصری در مورد انتظار می‌پردازیم.

### اولین منتظر، خداوند

اولین منتظر فرج و ظهور مهدی موعود علیه السلام، خود خداوند است که فرمان ظهور و اعطاء فرج به دست قدرت اوست. حکیم مطلق که هیچ کاری بدون حکمت از او سر نمی‌زند. خداوند با فراهم شدن شرائطی خاص، و روی علل و اسبابی، و بوجود آمدن قابلیت‌ها و آماده شدن استعدادهایی، فرمان ظهور را صادر می‌کند

و فرج را به بندگانش اعطا می فرماید. این معنا به تعبیری، انتظار خداوند می باشد. پروردگار عالم با فرمان ظهور، راههای کمالات انسانی را به روی همه ابعاد وجودی انسان و استعدادهای او می گشاید، و آن رهبر لایق و معصوم را برای سرپرستی و راهنمایی بشر قرار می دهد، چنانکه قبل از ظهور، این انسان به دست خود بیشتر راههای کمالات - اگر نگوئیم همه راهها را - به روی خود مسدود کرده و خود را در زندان هواهای نفسانی و جهالتها و نادانیها و... سخت در بند کشیده و گرفتار ساخته است.

آری! خداوند می خواهد که انسان متوجه اشتباه خود بشود و بفهمد که بیراهه می رود، و بداند که جز با کمک و مدد یک دست غیبی، راه نجات به سوی او باز نمی شود. آنگاه فریاد کمک طلبی و استغاثه فطرتش بلند شود، و از آن دست غیبی - که فطرت انسان، فریادرسی او را نوید می دهد - طلب امداد نماید. انتظار خداوند از این مقوله است.

### انتظار پیامبران و اولیاء

پیامبران برای انجام مقاصدی آمدند و تلاش کردند که اهداف و مأموریت خود را تحقق بخشند. لکن موانع زیادی، از خودخواهی و خودپرستی و جهل و نادانی بشر، سد راه ایشان

گردید، و با اینکه کار زیادی کردند و به اهداف والائی هم رسیدند، اما موانع آنقدر زیاد بود که با گذشت اندک زمانی، خط روشن پیامبران را تاریکی‌ها فرا می‌گرفت. در این هنگام بود که از جانب خداوند به همه پیامبران نوید می‌رسید که تلاش‌های شما از بین نرفته و روزی به دست آخرین ولی من به ثمر خواهد نشست. پیامبران نیز هر یک به اندازه استعداد امت خود، بشارت و نویدهای خداوند را به آنها ابلاغ نموده و مؤمنان از امت خود را به آن نویدها دلشاد و دلگرم می‌ساختند و آنان را در راه دینداری و اطاعت از فرامین الهی، مقاوم و استوار می‌گرداندند.

تا اینکه نوبت به آخرین سفیر الهی و دین جامع و کامل او رسید، که باید پرچم این دین در سرتاسر جهان برافراشته شده و اهل همه ادیان و طوائف بشر زیر پرچم آن درآمده، و در عبادت و اطاعت خدا و عمل به دستورات و مقررات اسلام و اطاعت از رهبری الهی واحد، همه با هم متحد و یک دل و یک جهت بشوند. رسول خدا ﷺ مقارن با آغاز دعوت مردم به گرایش به اسلام، مسأله اتحاد در رهبری را به آنان گوشزد کرد. نخست این امر را به گوش اقارب و خویشان خود رساند، و علی علیه السلام را که اولین و تنها کسی بود که در میان آن جمع، به دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جواب مساعد داد، برای رهبری آئین جهانی خود معرفی نمود. و در روز

غدیر خم که نزدیک به پایان دوره رسالت پر برکت و عمر شریف او بود، با اعلان عمومی و تأکید فراوان، علی علیه السلام را به رهبری جمیع امت، از جانب خداوند منصوب فرمود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله همگام با دعوت به اسلام، بطور مکرر، پیش بینی های لازم خود را به گوش اصحاب و یاران می رساند و از پیدایش اختلاف و نفاق و انحراف و فرقه فرقه شدن امت تا حدود هفتاد و سه فرقه - بعد از خود، و سپس اصلاح اوضاع جهان و برقراری عدالت و رفع ظلم و جهالت، و جهان شمولی آئین اسلام به دست آخرین وصی خود و نهمین فرزند حسین علیه السلام، خبر می داد. بخصوص در حجة الوداع، در کنار خانه کعبه برای مردم از اوضاع آینده جهان، بعد از خود پرده برداشت و علائم و نشانه های پیش از ظهور مهدی علیه السلام را بیان فرمود، و از بوجود آمدن فسادها و شرایط سخت، و شعله ور شدن فتنه ها و هرج و مرج ها و... بدست بشر، خبر داد.

کوتاه سخن اینکه: انجام رسالت آن حضرت، و دعوت به اسلام و مقررات آن، همراه با بیان اوضاع و شرائط دشوار آینده و سپس اصلاح آن، و اجرا شدن تمام دین در تمام جهان، به دست آخرین جانشین او، مهدی موعود علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام بوده است.



بنابراین همه انبیاء از اصلاح جهان در آخرالزمان به دست مصلح جهانی خبر داده و همه در انتظار او بودند. پیامبر خاتم نیز خود منتظر آمدن آن مصلح بوده و امت خود را نیز به چشم انتظاری برای او فرا خوانده است، و همه امامان معصوم علیهم السلام نیز از ظهور امام دوازدهم، مهدی موعود علیه السلام خبر داده و منتظر آمدن او بودند.

#### انتظار فاطمه علیها السلام

اما فاطمه علیها السلام که ام ابیها و ام الائمه علیهم السلام می باشد: او، هم پدرش را در راه خدا داده، هم شوهرش را در راه تحقق آرمان های دین مقدس اسلام تقدیم کرده، و هم فرزندان معصوم خود و امامان هدایت و نور و حجت های پروردگار را یکی یکی، با قبول شهادت، در این راه داده است.

هنگامی که حسین علیه السلام را بدنیا آورد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام هم تهنیت و تبریک گفت، هم تعزیت و تسلیت فاطمه علیها السلام از شنیدن تعزیت، گریه کرد و فرمود: «ای کاش او را بدنیا نمی آوردم، کشنده حسین در آتش باد.» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من گواهی می دهم که کشنده حسین در آتش است، اما فاطمه جان! بدان که خداوند در عوض شهادت حسین علیه السلام، ائمه

هدایت کننده را در نسل او قرار خواهد داد... (سپس یکی یکی امامان از فرزندان حسین علیه السلام را نام برد و در آخر فرمود:) آنکس که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند، فرزند حسین عزیز تو است». فاطمه علیها السلام با شنیدن نام فرزندش مهدی علیه السلام، گریه اش آرام گرفت<sup>(۱)</sup>.

طبق روایتی که در کتاب «کنز العمال» از طریق اهل سنت نقل شده، پیامبر فرمود: «مژده باد تو را ای فاطمه! که مهدی از تو است»<sup>(۲)</sup>.

و برای تسلی خاطر فاطمه علیها السلام، خداوند لوحی را که در آن امامان دوازده گانه و نام مادران ایشان، با خطی از نور و با دست قدرت پروردگار نوشته شده بود، به فاطمه علیها السلام اهداء کرد<sup>(۳)</sup>.

سهل بن سعد انصاری از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: از فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا، در مورد ائمه علیهم السلام پرسیدم. فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: یا علی! بعد از من تو جانشین من و امام و رهبر امت، و اولی به مؤمنان از خود ایشان می باشی، و بعد از تو، حسن علیه السلام اولی به مؤمنان است از خودشان و... (یکی

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۴۹ و ۲۵۰.

۲. الکوثر، ج ۷، ص ۳۳۱.

۳. الکوثر، ج ۴، ص ۲۸۷ - ۲۵۵.

یکی امامان را نام برد تا فرمود: (بعد از حسن عسکری علیه السلام، مهدی قائم علیه السلام سزاوارتر است به مؤمنان از خودشان و خداوند، او را در شرق و غرب زمین به فتح و پیروزی می‌رساند. و ایشان پیشوایان حق و زبان‌گویای راستی می‌باشند. هر کس ایشان را یاری دهد، منصور و پیروز است و هر کس ایشان را رها کند و یاری ندهد، خوار و ذلیل خواهد شد»<sup>(۱)</sup>.

فاطمه علیها السلام تنها دختر و یادگار رسول خداست و بانویی است که از همه بیشتر به او ظلم شده و هیچکس در این عالم مانند او، این همه مصیبت‌ها و رنج‌ها را در راه بقای اسلام تحمل نکرده است. او پدر را در تمام سختی‌های ابلاغ رسالتش یاری داده، او شوهر را در سختی‌های طاقت‌فرسا همراهی کرده است. او در راه دفاع از ولایت، فرزندش ماه در شکم داده، سیلی خورده، درب خانه‌اش به آتش کشیده شده، در به پهلویش کوبیده شده، خطبه‌ها خوانده، و مبارزه‌ها کرده. او از مصائب وارد بر فرزندان‌ش در آینده خبر داشت، هم خداوند به او خبر داده بود (از راه مصحفی که برای او فرستاده بود)، هم پیامبر خدا. بنابراین او یگانه مادر پرعاطفه و مظلوم و مغضوب‌الحق و ستم‌دیده‌ای است که بیش از همه چشم انتظار آمدن یگانه فرزند خود می‌باشد. فرزندی که

۱. الکوثر، ج ۴، ص ۳۰۰.

تمامی وعده‌های نصرتی که خداوند به انبیاء داده، به امت‌ها داده، به رسول خاتم و امامان اهل بیت داده، همه و همه توسط او تحقق خواهد یافت. آری! فاطمه علیها السلام منتظر است که فرزندش بساید و جهان را پر از عدالت کند و ظلم و ستم را از روی زمین بردارد و دین اسلام را که کاملترین دین الهی است، در همه جهان به اجرا درآورد، و انتقام او و پدر، و شوهر شهیدش را، و انتقام فرزندان شهیدش را، از ظالمین و غاصبین و دشمنان خدا و رسول بگیرد، و رفع ظلم و ستم از همه مظلومان عالم کند.

آری! او تنها بانو و مادر منتظر است، که در راه اسلام، بیشتر از همه کس مصیبت‌ها را تحمل کرده، و همه امیدهایش را در وجود این فرزند متبلور می‌یابد، و مهدی علیه السلام نیز تنها موعود و منتظر است که همه امیدها و خواسته‌های او را تحقق بخشیده و انتقام او را از دشمنانش خواهد گرفت.

بنابراین رابطه منتظر و منتظر، در بالاترین مرتبه، و کاملترین شکل و صورت بین این مادر والا گهر و این فرزند دل‌بند و امید پرور جریان دارد.

آری منتظر واقعی امّ الأئمه علیهم السلام است و برای ظهور پسر برکت  
فرزندش مهدی موعود علیه السلام لحظه شمار است. وهم سوی بودن  
وهم آهنگ شدن با انتظار کشیدن آن بانوی بانوان دو عالم و کوثر  
رسالت از برترین عبادت‌ها است و مصداق: «أفضل أعمال أمتي انتظار  
فرج من الله عزّوجلّ». که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود، خواهد بود.  
از خداوند به حق محمّد و آل محمّد صلوات الله علیهم درخواست  
میکنیم که ما و نسل ما را از دوستان و یاران و منتظران صادق و ثابت  
فرزند زهرا، امام زمان علیه السلام قرار بدهد، و دل همه دوستان و منتظران  
ظهورش را با ادراک ایام دولت حق و به سر آمدن و نابودی دولت  
باطل و جهان‌خواران صهیونیسم مسیحی و یهودی هر چه زودتر و کم‌تر  
از یک نفس کشیدن، شاد بگرداند و به همه ما توفیق عمل به وظائف  
منتظران واقعی را لطف و عطا فرماید.

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا  
تُعَرِّفُنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ .  
اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا  
تُعَرِّفُنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ .  
اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا  
تُعَرِّفُنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي .

منتخب الأثر، ص ٥٠١

« پایان »